

Elucidating the Sustainability Dilemma in Rural Communities of Iran (Case Study: Lavasan-e Bozorg Village, Lavasanat District)

Moosa Anbari 

Professor of Development Sociology, Department of Social Development, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran (anbari@ut.ac.ir)

Marjan Khaksari Renani 

PhD Candidate in Social Development, Department of Social Development, Faculty of Social Science, University of Tehran, Tehran, Iran (margan.khaksari@ut.ac.ir)

Abstract

Sustainable development in Iran's rural areas faces significant challenges, including rural-to-urban migration and influx of new, non-productive residents; agricultural mismanagement and land-use change; environmental degradation resulting from development projects; and a shift in rural governance from participatory, endogenous models to that are state-centered and exogenous ones. This study elucidates the sustainability dilemma in Lavasan-e Bozorg village through a qualitative, field-based methodology, utilizing in-depth interviews, field observation, and documentary analysis. Data from 31 exploratory interviews with officials, informants, and locals (selected via purposive sampling) were coded and analyzed. Based on the findings and the frequency of recurring categories in the interviews, sustainability was prioritized and classified into six principal domains: "Demographic"; "Economic-livelihood"; "Managerial-Governance"; "Social"; "Environmental"; and "Cultural". These domains exist in a dynamic, reciprocal relationship, alternately acting as both cause and effect. Within this system, the twin factors of "proximity to the capital" and "water security" are of paramount. While adjacency to Tehran presents developmental opportunities, it is offset by the capital's demand for potable water, environmental constraints, and rampant land speculation, collectively undermining the village's productive and livelihood base. The study concludes that the village is trapped in a state of "ambiguity and a vicious cycle of unsustainability". A resolution necessitates a paradigmatic shift toward locally grounded, participatory, and multidimensional development, emphasizing livelihood diversification, strengthening effective multi-level governance, and integrated natural resource management.

Keywords: Social sustainability, Rural sustainability dilemma, Rural community development, New rural development paradigm; The capital's water security issue; Lavasan-e Bozorg.

واکاوی مسئله پایداری اجتماعات روستایی در ایران (مورد مطالعه: روستای لواسان بزرگ از بخش لواسانات)

موسی عنبری^۱  مرجان خاکساری رنانی^۲ 

چکیده

پایداری توسعه در روستاهای ایران، به دلایل متعددی مانند مهاجرت روستاییان به شهرها و جذب ساکنان جدید و غیرمولد، بهره‌برداری نامناسب از کشاورزی و تغییر کاربری زمین‌ها، تخریب محیط‌زیست در اثر طرح‌های توسعه‌ای و تغییر برنامه‌های مدیریت روستایی از مشارکت محوری و درون‌زایی به دولت‌محوری و برون‌زایی، به یک مسئله تبدیل شده است. مقاله حاضر با هدف تحلیل مسئله پایداری در روستای لواسان بزرگ با رویکرد کیفی و مبتنی بر ورود به میدان و انجام مصاحبه‌های عمیق انجام شده است. داده‌ها از طریق ۳۱ مصاحبه اکتشافی با مسئولین، مطلعین و مردم محلی (با شیوه هدفمند و رعایت تناسب شغل و جایگاه اجتماعی)، به همراه مشاهده میدانی و بررسی اسناد، جمع‌آوری گردید. بر اساس یافته‌ها و فراوانی تکرار مقولات در مصاحبه‌ها، پایداری در شش عرصه اصلی «جمعیتی»، «اقتصادی-معیشتی»، «مدیریتی-حاکمیتی»، «اجتماعی»، «زیست‌محیطی» و «فرهنگی» اولویت‌بندی و دسته‌بندی شد. این عرصه‌ها در تعامل دوطرفه با یکدیگر نقش علت و معلولی جایگزین دارند، اما در این میان مفهوم «نزدیکی به پایتخت» و «امنیت آب» در تحلیل سطح توسعه و پایداری آن در روستای مورد مطالعه، اولویت دارند. همجواری با تهران ظرفیت‌های بالقوه‌ای برای توسعه روستا فراهم می‌آورد، اما عواملی مانند ضرورت تأمین آب شرب پایتخت، محدودیت‌های زیست‌محیطی و گسترش سوداگری زمین، نقش تولیدی و معیشتی روستا را تضعیف کرده است. نتیجه‌گیری نهایی بیانگر قرارگیری روستا در وضعیت «ابهام و چرخه معیوب ناپایداری» است. دست‌یابی به پایداری واقعی در گرو تغییر رویکرد به سمت توسعه محلی، مشارکتی و چندبعدی با تأکید بر تنوع‌بخشی معیشت، تقویت حکمرانی شایسته چندسطحی و مدیریت یکپارچه منابع طبیعی خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: پایداری اجتماعی، مسئله پایداری روستایی، توسعه اجتماعات روستایی، پارادایم نوین توسعه روستایی، لواسان بزرگ.

۱. استاد جامعه‌شناسی توسعه، گروه توسعه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (anbari@ut.ac.ir)
۲. دانشجوی دکتری توسعه اجتماعی، گروه توسعه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (Marjan.khaksari@ut.ac.ir)

۱. مقدمه و بیان مسئله

مفهوم پایداری در کنار مقولاتی مانند تاب‌آوری، حکمرانی خوب و توسعه مشارکتی، بر محوریت جوامع و توسعه محلی و برجسته‌کردن جایگاه مردم در فرآیند توسعه تأکید دارد. رویکردهای متقدم توسعه اگرچه در افزایش رشد اقتصادی دستاوردهای موفق داشته‌اند، اما در ابعاد زیست‌محیطی، اجتماعی و مشارکت مردمی چندان موفق نبوده‌اند. دلیل این ناکامی را می‌توان ناشی از رویکرد تک‌بعدی و اقتصادمحور و کم‌توجهی به سایر ابعاد توسعه دانست. در دوره‌ای بر جنبه زیست‌محیطی پایداری تأکید می‌شد اما با توجه به مسائل اجتماعی و فرهنگی ایجاد شده، روشن شد که «توسعه پایدار»، صرفاً تنظیم و ساماندهی تعامل انسان با محیط نیست، بلکه از تعامل اجتماعی انسان با انسان دیگر و ذوب افق‌های متمایز و متخصص در فرهنگ‌های مختلف نیز بحث می‌کند.

«پایداری اجتماعی» به‌عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه پایدار، با اصول و حوزه‌های سنتی رویکردهای اجتماعی از جمله «سلامتی» و «عدالت»، و نیز با مسائل مربوط به «مشارکت»، «نیازها»، «سرمایه اجتماعی»، «اقتصاد»، «محیط‌زیست» و اخیراً با مفاهیمی مانند «شاد زیستی»، «کیفیت زندگی» و «تاب‌آوری» پیوند خورده است (عنبری، ۱۳۹۹؛ Colantonio, 2011). در زمینه توسعه روستایی، این مفهوم عمدتاً با عواملی مانند «جمعیت»، «معیشت»، «محیط‌زیست»، «تعامل و مشارکت»، «مدیریت» و مواردی از این دست مرتبط است و بر بومی‌سازی و محلی‌بودن راهبردها تأکید دارد. هدف این مفهوم در مناطق روستایی، دستیابی به سطح مطلوبی از رضایت اجتماعی و حیاتی سالم از رهگذر پاسخگویی به نیازهای پایه و آرمان‌های فرهنگی جامعه روستایی است.

وضعیت کنونی مناطق روستایی در بسیاری از نقاط جهان حاکی از نواقص و کم‌کارآمدی سیاست‌های پیشین توسعه در پاسخگویی به نیازهای ساکنان روستایی است. این موضوع به‌وضوح در جوامع روستایی ایران دیده می‌شود. در سال‌های اخیر در ادبیات توسعه کشور بیش از گذشته به مسئله توسعه پایدار روستایی توجه شده، اما همچنان چارچوب روشن و مشخصی برای تحقق پایداری، به‌ویژه پایداری اجتماعی، در روستاهای کشور تعریف نشده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که رویکردهای برنامه‌ریزی در کشور کماکان از بالا به پایین بوده و به تعبیر کمال اظهاری (۱۳۹۹) تناقض‌هایی مانند افزایش سطح زیر کشت و اشتغال کشاورزی در کنار کاهش بهره‌وری تولیدات کشاورزی و پایین ماندن درآمد، افزایش تمایل به تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی، بهره‌برداری بی‌ضابطه از مشاعات (آب، مراتع و...) و وارد آمدن آسیب‌های شدید و جبران‌ناپذیر به کشاورزی و محیط‌زیست و تشدید آسیب‌پذیری در برابر پدیده‌های طبیعی ناشی از نابودی مراتع و جنگل‌ها را به‌وجود آورده است.

به‌طور کلی پایداری توسعه در روستاهای ایران به چند دلیل به یک مسئله تبدیل شده است: اول بهره‌برداری نامناسب از کشاورزی و تغییر کاربری زمین‌ها؛ دوم تخریب محیط‌زیست روستایی، آلودگی ناشی از طرح‌ها و پروژه‌های توسعه و گاهی ورود گردشگران، و تغییر اقلیم (ناشی از قطع درختان، جنگل‌زدایی، استراحت ندادن به زمین، فرسایش خاک و شور شدن آن)؛ سوم مهاجرت روستاییان به شهرها (که مسئله ازجاکندگی روستاییان را در پی دارد) و جذب ساکنان جدید غیرکشاورز و غیرمولد با هدف تفریح و ایجاد خانه‌های دوم در روستاها (که خود باعث ناهماهنگی و عدم انسجام میان قشرها و نظام طبقاتی روستایی می‌شود)؛ چهارم به‌هم‌ریختگی برنامه‌های مدیریت روستایی از مردم‌محوری، مشارکت‌محوری و درون‌زایی به دولت‌محوری و برون‌زایی - ریشه و نقطه آغازین تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های محلی باید مردم باشند؛ تجربه نشان داده است مدیریت دستوری، خدمات‌رسانی به روستاییان را ناکارآمد می‌کند. نکته قابل توجه این است که روستاهای نزدیک به پایتخت، بیشتر مستعد چنین

مسائلی هستند و جای خالی این دست تحقیقات در ادبیات پژوهشی کشور دیده می‌شود. برای مطالعه مسائل بالا در بافت روستاهای ایران، این تحقیق بر روستای لواسان بزرگ از بخش لواسانات شهرستان شمیرانات، یکی از روستاهای نزدیک به پایتخت، متمرکز شده است. مصاحبه‌های اکتشافی و اولیه محققان، دهستان لواسان بزرگ را با کاستی‌های فراوانی در زمینه توسعه‌یافتگی، از جمله کمبود شغل، ضعف سیستم مدیریتی، تغییر کاربری زمین، ناکارآمدی خدمات‌رسانی و ناپایداری جمعیتی نشان می‌دهد. با این حال، براساس گفته‌های مسئولان محلی و مشاهدات میدانی، روستای لواسان بزرگ (مرکز این دهستان) در دهه‌های اخیر، روند نزولی محسوس‌تری را از نظر توسعه‌یافتگی داشته است. ساکنان منطقه از کمبود امکانات معیشتی، بهداشتی، آموزشی، مسیر ارتباطی و... که امکانات اولیه برای توسعه و رفاه انسانی هستند ابراز نارضایتی و شرایط توسعه‌یافتگی را نامناسب ارزیابی می‌کنند. ناخرسندی مسئولین و مردم محلی از تغییرات و طرح‌های توسعه‌ای بیانگر آن است که طرح‌های توسعه‌ای در کنار امکانات و تحولات ایجاد شده، ثبات و کیفیت زندگی آن‌ها را به چالش کشیده است. برای مثال پروژه «مسکن مهر پردیس» در ۳۵ کیلومتری شمال شرق تهران و به‌عنوان عوامل مهم ناپایداری جمعیتی و مهاجرت از این منطقه معرفی می‌شود. پژوهش حاضر قصد دارد عوامل ناپایداری جمعیت و اشکال دیگر ناپایداری اجتماعی را با تأکید بر شاخص پایداری معیشتی، زیست‌محیطی، تعاملی - مشارکتی و مدیریتی، در این روستا، مورد کاوش قرار دهد. پرسش اصلی این است که وضعیت ابعاد پایداری در روستای مورد نظر چگونه است و چه عواملی بر شکل‌گیری ناپایداری‌ها و مسیر دستیابی به توسعه پایدار اثرگذار بوده‌اند؟

۲. چارچوب مفهومی

توسعه در ابتدا بیشتر معادل رشد اقتصادی و افزایش تولید ملی در نظر گرفته می‌شد (Rostow, 1960; Todaro & Smith, 2011). الگوی رشد اقتصادی مبتنی بر صنعتی شدن که تقلیدی از تجربه توسعه اقتصادی غرب بوده، وعده‌های اصلی توسعه از جمله کاهش فقر و بیکاری، بهبود آموزش و بهداشت، دستیابی به آزادی را محقق نکرده است، بلکه گاهی آن‌ها را، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، تشدید کرده و خطرات زیست‌محیطی و آلودگی را نیز به آن‌ها افزوده است. به همین دلیل، «از اوایل دهه ۱۹۷۰ عبارت‌هایی نظیر «کیفیت زندگی»، «توسعه اجتماعی»، «توسعه مشارکتی»، «توسعه دیگر»، «توسعه انسانی» و غیره جایگزین اصطلاح رایج «توسعه اقتصادی» شد» (عنبری، ۱۳۹۶: ۱۵).

در دهه ۱۹۸۰ و به‌ویژه در گزارش برانتلند^۱ (آینده مشترک ما^۲) (WCED, 1987) مفهوم توسعه پایدار برجسته و چنین تعریف شد: «توسعه‌ای که نیازهای نسل حاضر را برآورده می‌سازد بدون آنکه توانایی نسل‌های آینده برای تأمین نیازهای خود را به خطر اندازد». این تعریف، بُعد زیست‌محیطی توسعه را در کنار ابعاد اجتماعی و اقتصادی قرار داد و بر عدالت بین‌نسلی و درون‌نسلی تأکید نمود. در کنفرانس ریو (۱۹۹۲) و در تعریف سازمان ملل متحد (۱۹۹۷) در برنامه توسعه^۳، توسعه پایدار «یک تعهد چندبعدی برای دستیابی به سطح بالاتری از زندگی برای همه مردم است که در آن توسعه اقتصادی، عدالت اجتماعی و حفظ محیط‌زیست به‌طور متقابل تقویت‌کننده یکدیگر هستند».

1. Brundtland Report
2. Our Common Future
3. United Nation Agenda for Development

رابرت چمبرز^۱ (۱۳۹۹: ۲۸۳) توسعه پایدار را «تسری دیدگاه‌های بلندمدت در همه سیاست‌ها و اقدامات با هدف رفاه و معیشت پایدار برای نسل‌های حاضر و آینده» معرفی می‌کند. مالکولم موزلی^۲ (۱۳۸۸: ۲۴) آن را «فرایند پویایی می‌داند که به همه انسان‌ها فرصت می‌دهد ظرفیت‌های بالقوه خود را شکوفا کنند و کیفیت زندگی خویش را در عین حفاظت از نظام‌های پشتیبان حیات ارتقا دهند».

در ادبیات توسعه، پایداری را در چهار بُعد تبیین کرده‌اند: زیست‌محیطی (حفظ و بهبود منابع طبیعی برای نسل‌های آینده)؛ اقتصادی (تداوم رفاه اقتصادی و معیشت پایدار)؛ اجتماعی (حداکثرکردن برابری و حداقل کردن طرد و تبعیض اجتماعی)؛ و نهادی (ظرفیت مداوم نهادها برای ایفای وظایف در بلندمدت) (DFID, 1999). «پایداری اجتماعی» به عنوان یکی از ابعاد اصلی توسعه پایدار، شامل تأمین نیازهای اساسی افراد (غذا، سرپناه، آموزش، سلامت و امنیت)، ارتقاء رفاه و کیفیت زندگی، برقراری عدالت اجتماعی و برابری (درون‌نسلی و بین‌نسلی)، ایجاد فرصت‌های برابر، مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری، تقویت سرمایه اجتماعی، حفظ میراث فرهنگی و زیستی است (McKenzie, 2004; Lee & Jung, 2018; Colantonio, 2009, 2011; World Bank, 2021; Barron et al., 2023). این مفهوم نه تنها به چگونگی زندگی افراد، اجتماعات و جوامع در تعامل با یکدیگر و محیط پیرامون‌شان مربوط است، بلکه دستیابی به اهداف توسعه‌ای بر مبنای ارزش‌های عدالت، کرامت انسانی، شمول، شفافیت و حکمرانی خوب را نیز شامل می‌شود (Colantonio & Dixon, 2009; Barron et al., 2023). تحقق پایداری اجتماعی مستلزم بومی‌سازی شاخص‌ها و سازوکارها در بسترهای مختلف اجتماعی و مکانی است (Lee & Jung, 2018; World Bank, 2021). در سطح عملیاتی، سیاست‌گذاری پایداری اجتماعی نیازمند توجه توأمان به تخصیص عادلانه منابع (برای تحقق عدالت و کاهش فقر)، تقویت ظرفیت‌های محلی و نهادها (برای مشارکت و تاب‌آوری) و حفاظت از فرهنگ، سرمایه‌های اجتماعی و زیست‌محیطی (به منظور حفظ زیربنای هویتی و معیشتی) است. سیاست‌هایی که هم‌زمان سه اصل «عدالت»، «شمول» و «تاب‌آوری» را دنبال کنند، بیش‌ترین سازگاری را با اهداف پایداری اجتماعی دارند (Colantonio, 2009; World Bank, 2021; Barron et al, 2023).

در حوزه اجتماعات محلی و روستایی، در گذشته، «پایداری بر پایه کشاورزی و حاصلخیزی زمین تعریف می‌شد و جوامع روستایی به سه دسته ناپایدار، نیمه‌پایدار و پایدار تقسیم می‌شدند» (نیک‌خلق، ۱۳۹۳: ۳۳)، اما در نیمه دوم قرن بیستم، پایداری معنای چندبعدی پیدا کرده و مدیریت منابع روستایی، استفاده از دانش بومی و مشارکت محلی را نیز در بر می‌گیرد (Bruckmeier, 2008).

اسمیل (1995: 140, 148) پایداری اجتماعی در اجتماع روستایی را تأمین رضایت مادی، اجتماعی و فرهنگی اعضای جامعه بدون تخریب منابع تعریف کرده و عواملی مانند انعطاف‌پذیری، تنوع محلی، توزیع عادلانه منابع، تنوع مشاغل غیرکشاورزی، بهبود نظام مالکیت ارضی و سازگاری دولت محلی با جامعه را برای آن ضروری می‌داند. در همین راستا، آگون^۳ و همکاران (2014: 3) پنج نظام اجتماعی، اقتصادی، محلی، خلاقانه و فیزیکی را برای توسعه پایدار روستایی ضروری می‌دانند. در این چارچوب، نظام اجتماعی به تحمل‌پذیری و مشارکت مردم، نظام محلی به حفظ و بهره‌گیری از دانش بومی، نظام خلاقانه به

1. Robert Chambers
2. Malcolm Moseley
3. Akgün

نوآوری و پذیرش فناوری، نظام اقتصادی به تنوع مشاغل و حمایت از کارآفرینی، و نظام فیزیکی به بهبود زیرساخت‌ها و کیفیت محیط کمک می‌کند.

در پارادایم نوین توسعه روستایی، برخلاف پارادایم قدیم (با محوریت دیدگاه‌های نشر نوآوری [Rogers, 1983]، محدودیت مطلوب‌ها [فاستر، ۱۳۷۵] و توسعه دولت‌راهبر [عنبری، ۱۳۸۵؛ ۱۳۹۶])، بر «حکمرانی خوب»، «مشارکت مردمی» و «پایداری» (گاریه، ۱۳۹۹) و «تاب‌آوری» (UN, 2020; Barron et al., 2023) تأکید می‌شود. این رویکرد توسعه را فرآیندی چندعاملی و چندسطحی از حکمرانی شایسته می‌داند که در آن دولت‌های محلی و اجتماعات بومی نقشی اساسی دارند. حکمرانی خوب شامل شاخص‌هایی چون مشارکت، شفافیت، برابری و فراگیری، پاسخگویی، حاکمیت قانون و کنترل فساد است (UNDP, 2002; UNDP, 2014). در این پارادایم، توسعه بر زیرساخت‌های سخت و نرم متکی است؛ زیرساخت‌های سخت شامل آب، انرژی و حمل‌ونقل و زیرساخت‌های نرم شامل آموزش، بهداشت و سرمایه اجتماعی است (موزلی، ۱۳۸۸؛ گاریه، ۱۳۹۹) که باید به‌طور عادلانه در دسترس باشد. عدالت اجتماعی (راولز، ۱۳۹۸)، عدالت زیست‌محیطی (هانیکان، ۱۳۹۵؛ لدویت، ۱۳۹۷) و شمول و فراگیری اجتماعی (گروه‌های زنان، اقلیت‌ها و سالمندان در پی دسترسی برابر به فرصت‌ها) نیز از ارکان اصلی این رویکرد نوین به شمار می‌آید (موزلی، ۱۳۸۸؛ Colantonio, 2009).

از دیگر محورهای پارادایم نوین، مقولات «توسعه محلی» و «توسعه مشارکتی» است که با قدرت‌یابی مردم و استفاده از دانش بومی تحقق می‌یابد (لدویت، ۱۳۹۷؛ عنبری، ۱۳۸۵؛ UNDP, 2014) و در این چارچوب، نقش زنان، به‌عنوان بازیگران تاثیرگذار در توسعه و معیشت پایدار، اهمیت بسزایی دارد. علاوه بر این، در رویکرد جدید توسعه روستایی محیط روستا هستی منفصلی از شهر در نظر گرفته نمی‌شود و با تأکید بر الگوی شهر-روستا، بر پیوند متوازن و پایدار اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی میان این دو قلمرو اهتمام می‌ورزد (رضوانی، ۱۴۰۱؛ UN-HABITAT, 2019). توسعه روستایی از الگویی متمرکز و تکنوکراتیک در پارادایم قدیم به الگویی درون‌زا، مشارکتی و پایدار در پارادایم جدید تحول یافته است. در این چارچوب، توسعه تنها با عمران فیزیکی یا رشد اقتصادی حاصل نمی‌شود بلکه نیازمند حکمرانی خوب، عدالت اجتماعی، حفاظت پایدار محیط‌زیست و توانمندسازی اجتماعات محلی است. چارچوب نظری این پژوهش ترکیبی از نقد رویکردهای متقدم (اقتصادمحور و کالبدی) و پذیرش رویکردهای نوین (اجتماع‌محور، معیشت پایدار و حکمرانی خوب) است که امکان تحلیل چندبعدی مسئله و وضعیت پایداری روستای مورد مطالعه را فراهم می‌سازد.

۳. پیشینه تجربی

در ادبیات بین‌المللی «پایداری اجتماعی»، ابعاد مختلفی مانند عدالت و برابری، تاب‌آوری اجتماعی، سرمایه‌های طبیعی، انسانی، اجتماعی، نهادی و تولیدی، مشارکت و کیفیت زندگی برجسته شده‌اند؛ مطالعات محققانی مانند اسمیلز (1995)، اسکات و همکاران (2000)، مک‌کنزی (2004)، دمپسی و همکاران (2009)، ایزنبرگ و جبارین (2017)، لی و جانگ (2019) و هُفستاد (2023) به‌طور پیوسته بر نقش عدالت، ایمنی، مشارکت، تنوع و حکمرانی در تعیین پایداری اجتماعی تأکید داشته‌اند. هم‌راستای با آن‌ها، گفتمان تاب‌آوری اجتماعی (Norris et al., 2008) و چارچوب سیستم‌های اجتماعی-اکولوژیکی (Ostrom, 2009) نیز ساختار تحلیلی مهمی را فراهم کرده‌اند. در ایران، مطالعات بیشتر ماهیت کاربردی و سنجشی دارند که با به‌کارگیری روش‌های کمی و شاخص‌سازی به بررسی و اولویت‌بندی شاخص‌هایی مانند امنیت، عدالت اجتماعی، مشارکت، تعلق مکانی، سرمایه اجتماعی، کیفیت خدمات و اشتغال در سطوح روستایی و شهری پرداخته‌اند (پورطاهری و همکاران، ۱۳۸۹؛

نسترن و همکاران ۱۳۹۲؛ جمینی و جمشیدی ۱۳۹۳؛ زیاری و همکاران ۱۳۹۵؛ حبیب‌پور گتایی ۱۴۰۰). در زیر اهم پیشینه (خارجی - داخلی) موضوع مورد مطالعه ارائه شده است (جدول ۱).

جدول شماره ۱: خلاصه پیشینه تجربی موضوع

محقق / سال	تمرکز / رویکرد	مؤلفه‌های کلیدی مورد تأکید
Smiles (1995)	پایداری اجتماعی در نواحی روستایی استرالیا	تاب‌آوری روستایی، تنوع محلی، سیاست‌های محلی سازگار با منابع، اقتصاد روستایی متنوع، کسب‌وکارهای کوچک محلی، مدیریت بازار کشاورزی، حکومت محلی مشارکتی
Scott et al. (2000)	از پایداری جوامع روستایی تا پایداری اجتماعی	تعریف محلی پایداری، معیشت، مشارکت اجتماعی، عدالت و برابری
McKenzie (2004)	مفهوم‌پردازی سرمایه‌ها و اصول پایداری اجتماعی	پنج سرمایه: طبیعی، انسانی، اجتماعی، نهادی، تولیدی؛ اصول: برابری، مشارکت، همبستگی، کیفیت زندگی، حکمرانی
Norris et al. (2008)	تاب‌آوری اجتماعی	تاب‌آوری اجتماعی معادل: سرمایه اقتصادی، اجتماعی، اطلاعاتی و ارتباطی
Dempsey et al. (2009)	پایداری اجتماعی در بافت شهری	دسترسی برابر، پایداری محلی، مشارکت اجتماعی، تعاملات اجتماعی، ایمنی و امنیت سکونت‌گاه
Ostrom (2009)	پایداری اجتماعی - بوم‌شناختی	مدیریت منابع، نظام حکمرانی، جوامع محلی، زمینه و بستر
Eisenberg & Jabbarin (2017)	چارچوب مفهومی پایداری اجتماعی	عدالت و انصاف، ایمنی، مصرف سازگار با زیست‌بوم، اشکال شهری پایدار
Lee & Jung (2019)	معناشناسی پویای مفهوم و چارچوب پایداری اجتماعی	تاکید بر کیفیت زندگی و ارزش‌های انسانی متنوع
Hofstad (2023)	تعریف و عملیاتی‌سازی پایداری اجتماعی جامعه محلی	دسترسی عادلانه به منابع و امکانات، پایداری اجتماعی (شامل ثبات جمعیتی، تعلق مکانی، احساس امنیت)، عدالت زیست‌محیطی، حکمرانی عادلانه
پورطاهری و دیگران (۱۳۸۹)	سنجش و اولویت‌بندی پایداری اجتماعی روستایی (تأسیس فازی)	شاخص‌های ذهنی: مشارکت، همبستگی، اعتماد، تعلق مکانی، امید، رضایت؛ (همچنین پویایی جمعیت، امنیت، کیفیت خدمات و اشتغال)
نسترن و دیگران (۱۳۹۲)	ارزیابی شاخص‌های پایداری اجتماعی	عدالت اجتماعی، بعد عینی امنیت، تعامل/مشارکت به‌عنوان مؤثرترین شاخص‌ها
جمینی و جمشیدی (۱۳۹۳)	عوامل تبیین‌کننده پایداری اجتماعی در روستاها	رابطه مستقیم امنیت، عدالت و کیفیت زندگی با پایداری اجتماعی
زیاری و دیگران (۱۳۹۵)	مطالعات محله‌ای و استانی (تهران، خراسان شمالی)	تمرکز بر تعلق مکانی، مشارکت، مسئولیت‌پذیری، اعتماد اجتماعی، دسترسی به خدمات، نقش آموزش و مراکز توان‌بخشی
حبیب‌پور گتایی (۱۴۰۰)	تدوین شاخص‌های پایداری اجتماعی - فرهنگی تهران	اولویت‌ها: برابری و عدالت، مسئولیت اجتماعی، مشارکت، پایداری اجتماعات محلی، تنوع فرهنگی، هویت و میراث فرهنگی

نکته قابل ذکر این است با وجود تنوع نظری و عمق تحلیلی در مطالعات موجود، هنوز تعریف واحد و قابل اجماعی از «پایداری اجتماعی» وجود ندارد و این بُعد از توسعه نسبت به ابعاد اقتصادی و زیست‌محیطی ادبیات کم‌حجم‌تری دارد. تجارب عملی

توسعه پایدار (روستایی) در ایران نیز از جمله، پروژه‌های بین‌المللی حبله‌رود^۱، منارید^۲ و ترسیب کربن^۳ نشان داده‌اند که بخش عمده‌ای از طرح‌ها و برنامه‌ها به بُعد زیست‌محیطی و مدیریت منابع طبیعی (آب، خاک، جنگل و مراتع) معطوف بوده و بعد اجتماعی در اولویت‌های بعدی قرار داده شده است. این خلأ، ضرورت تقویت رویکرد اجتماعی در سیاست‌گذاری‌های توسعه روستایی را برجسته می‌سازد.

۴. روش‌شناسی

با توجه به حضور مستمر در میدان و مصاحبه‌های طولانی با مسئولین، مردم و کارشناسان، و ارزیابی اسناد و داده‌های کمی نهادهای می‌توان گفت که روش مطالعه از نوع «کیفی» و با اتکا بر مصاحبه‌های منظم با روستاییان و دریافت روایت‌های ایشان از فرآیند توسعه است.

جمع‌آوری اطلاعات در سه مرحله انجام شده است: ۱. مطالعه اکتشافی، مشاهده میدانی و تک‌نگاری سریع؛ ۲. بررسی اسناد، شواهد و گزارش عملکرد نهادهای روستا؛ و ۳. مصاحبه با مسئولین و ساکنین محلی.

ابتدا برای شناخت و توصیف روستای مورد مطالعه یک مطالعه اکتشافی با عنوان تک‌نگاری سریع انجام شد. با مراجعه مکرر به روستا و گفتگو با ساکنین و سپس دریافت اسناد و مدارک در مورد تاریخچه و شرایط اجتماعی و جمعیتی روستا، نگاشتی توصیفی از روستا و تاریخچه آن ارائه شد. در مرحله دوم، اسناد کلیه اقدامات توسعه‌ای اعم از طرح‌های هادی، اقدامات بهداشتی و خدماتی، عمرانی و آموزشی در روستاها تحت نظر بنیاد مسکن، شوراها و سازمان جهاد کشاورزی، مرکز بهداشت، آموزش و پرورش، سازمان هواشناسی و... جمع‌آوری و مورد ارزیابی قرار گرفت. در مرحله سوم به نظرات مردمی و مدیران محلی اعم از دهیار، اعضای شورای شهر، فرماندار و افراد دیگر که در این حوزه تخصص داشتند، مراجعه شد. افراد مورد مصاحبه (۴۰ نفر با تحریر متن مصاحبه‌ها) به روش هدفمند و رعایت تناسب شغل و جایگاه اجتماعی انتخاب شده‌اند.

جدول شماره ۲: مشخصات افراد مشارکت‌کننده

نوع و تعداد مصاحبه	گروه مصاحبه‌شونده	تعداد (نفر)	جنسیت	بازه سنی	تحصیلات	مشاغل
۸ مصاحبه گروهی؛	مسئولین و خبرگان محلی (۲ مصاحبه)	۱۰ نفر	۱۰ مرد	۵۰ تا ۶۳	لیسانس تا دکتری	رئیس شورا، رئیس شورای حل اختلاف، دهیار، قاضی، اعضای شورا، استاد دانشگاه
	مردم روستا (۶ مصاحبه)	۱۷ نفر	۴ زن ۱۳ مرد	۱۸ تا ۸۷	بی‌سواد تا لیسانس	کشاورز، دامدار، آرایشگر، راننده وانت، معمار، هیئت امنای مسجد، فعال اقتصادی، بنگاه‌دار، خانه‌دار، مغازه‌دار، بازنشسته وزارت ورزش، باغدار، کارگر ساختمان
۲۳ مصاحبه فردی	مسئولین و خبرگان محلی	۱۱ نفر	۴ زن ۷ مرد	۴۰ تا ۸۷	دیپلم تا دکتری	فرماندار، رئیس شورای حل اختلاف، دهیار، مدیر مدرسه، نائب‌رئیس شورای بهوز، مسئول کتابخانه

1. Hablerood

2. Middle East and North Africa Regional Program for Integrated Sustainable Development (MENARID)

3. Carbon Sequestration Projection (GSP)

۴. یکی از مصاحبه‌های گروهی با حضور اساتید گروه توسعه دانشگاه تهران به همراه مسئولین محلی انجام شد.

قاضی بازنشسته، معاون فنی اجرایی جهاد کشاورزی، مسئول مرکز جهاد کشاورزی، هیئت امنای مسجد، حسابدار شرکت تعاونی						
بازنشسته شرکت سایپا، پیمانکار، بنگاه‌دار، مغازه‌دار، خانه‌دار، دامدار، کشاورز، دانش‌آموز	بی‌سواد تا لیسانس	۱۱ تا ۸۳	۴ زن ۵ مرد	۹ نفر	مردم روستا	

محورهای اصلی مصاحبه‌ها و جمع‌آوری اطلاعات، توسعه روستایی و پایداری یا ناپایداری روستا و ابعاد آن بوده است. داده‌ها و مصاحبه‌ها با استفاده از «تحلیل تماتیک»^۱ و نرم‌افزار Nvivo تحلیل شده‌اند. برای افزایش اعتبار پژوهش از مثلث‌سازی داده‌ها (مصاحبه، مشاهده و اسناد)، بازبینی مصاحبه‌ها توسط برخی مشارکت‌کنندگان و ثبت و تحریر فایل‌های ضبط‌شده، استفاده شده است. ملاحظات اخلاقی شامل کسب رضایت آگاهانه، محرمانگی اطلاعات و اجازه ضبط صدا رعایت شده است.

روستای مورد مطالعه (لواسان بزرگ، مرکز دهستان لواسان بزرگ در بخش لواسانات تهران) در دامنه جنوبی رشته‌کوه البرز و در فاصله حدود ۱۹ کیلومتری شمال شرقی تهران قرار دارد. ارتفاع آن حدود ۲۱۸۶ متر از سطح دریاست و اقلیمی کوهستانی با زمستان‌های سرد و تابستان‌های معتدل دارد.

پیشینه تاریخی روستا به دوره‌های پیش از اسلام برمی‌گردد و آثار متعددی مانند مسجد امام حسن عسکری (ثبت ملی ۱۰۳۶۳)، امامزاده موسی (ثبت ملی ۱۱۹۹)، امامزاده خواجه سلطان احمد (ثبت ملی ۱۱۲۳) و تپه سرقلعه (ثبت ملی ۱۰۳۶۴) در آن وجود دارد.

روستا دارای چهار محله است که قدمت تاریخی دارند: ۱- رودبار محله که در سمت جنوب غربی روستاست و بنای تاریخی امامزاده موسی و چنار سیصد ساله (و به روایتی هفتصد ساله) مجاور آن در این محله قرار دارد؛ ۲- کلو محله که در شمال شرق روستاست که بنای حسینیه تاریخی لواسان و بنای امامزاده خواجه سلطان احمد در آن واقع شده‌اند؛ ۳- سادات محله یا حجاره (اسم قدیم محله) در سمت غرب است که بیشتر خانه‌های مسکونی و باغ‌های روستا در آن جای دارد و؛ ۴- سرده محله که در بخش جنوبی روستاست و مسجد جامع امام حسن عسکری در آنجا واقع شده است. هرکدام از این محله‌ها درون خود چندین طایفه و یک حسینه دارند (مصاحبه‌ها و مشاهدات محلی).

بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵، جمعیت آن ۹۳۷ نفر گزارش شده است که در تابستان به دلیل حضور گردشگران و مالکان ویلاها افزایش قابل توجهی می‌یابد.

از نظر ساختار اجتماعی، جمعیت روستا در چند دهه اخیر روند کاهشی داشته است و هم‌اکنون ترکیبی از ساکنان بومی و مهاجران افغانستانی را دربرمی‌گیرد. ساختار سنی جمعیت بومی به سمت سالخوردگی در حرکت است و نرخ باسوادی در سال‌های اخیر بهبود یافته است. اقتصاد روستا عمدتاً متکی بر باغداری (به‌ویژه گیلاس و گردو) و دامداری بوده، اما در سال‌های اخیر به دلیل محدودیت‌های محیطی و اقتصادی، بخش خدمات و غیر مولد (به‌ویژه مشاوره املاک و پیمانکاری) نیز رشد کرده است. روستا فاقد صنعت است و به دلیل قرارگیری در بالادست سد لتیان، با محدودیت‌های شدید زیست‌محیطی و توسعه‌ای مواجه است.

از نظر خدمات زیربنایی، روستا از آب، برق، گاز و تلفن برخوردار است، اما در زمینه‌هایی مانند شبکه فاضلاب، جمع‌آوری زباله، خدمات درمانی و آموزشی با کمبودها و چالش‌هایی روبه‌روست. همچنین، عدم وجود شبکه مناسب دفع آب‌های سطحی موجب بروز مشکلاتی در معابر شده است.

۵. یافته‌ها

داده‌های مستخرج از کدگذاری چندمرحله‌ای مصاحبه‌ها و تحلیل محتوای کیفی آن‌ها در دو سطح «گونه‌شناسی پایداری (مسائل و ظرفیت‌ها)» و «تبیین و علت‌کاوی» دسته‌بندی و تحلیل شده‌اند که در زیر هر مرحله تشریح می‌شود:

۵-۱. سطح اول: گونه‌شناسی پایداری (مسائل و ظرفیت‌ها): بر مبنای فراوانی تکرار مقولات فرعی در مصاحبه‌های افراد مشارکت‌کننده، پایداری در شش عرصه «جمعیتی»، «اقتصادی - معیشتی»، «مدیریتی - حاکمیتی»، «اجتماعی»، «فرهنگی»، و «محیطی - بوم‌شناختی» اولویت‌بندی و دسته‌بندی شده است (جدول ۳).

جدول شماره ۳: اهم مقولات مستخرج از مصاحبه‌های اکتشافی بر حسب عرصه‌های پایداری

عرصه برحسب اولویت ^۲	مقوله هسته (زیرعرصه)	مقوله محوری (سازمان‌دهنده)	مقوله فرعی بر حسب فراوانی تکرار
جمعیت	ناپایداری جمعیتی	مهاجرت روستا-شهری	کاهش جمعیت بومی، مهاجرت جوانان، خانه‌های دوم، تفاوت جمعیت رسمی و واقعی، تأثیر کرونا بر بازگشت موقت
		ترکیب جمعیتی	افزایش جمعیت اتباع افغانستانی، کاهش جمعیت ایرانی، پیری جمعیت بومی، جوانی جمعیت مهاجر
		جمعیت شناور	ورود گردشگران و ویلاداران در آخر هفته، فشار بر منابع آبی و زیرساخت‌ها، ایجاد ناهنجاری‌های اجتماعی
		اختلاف آماری	ناسازگاری آمار سرشماری با داده‌های واقعی (مانند شماره انشعابات برق)، برنامه‌ریزی نادرست بر اساس آمار ناقص
اقتصاد	وابستگی اقتصادی	وابستگی به شهر	تأمین مایحتاج از شهر، کاهش خودکفایی، حذف اقتصاد خانگی
		اقتصاد دلالی	رشد دلالی زمین، رانت‌خواری، ساخت‌وساز غیرمجاز، وابستگی به مشاغل غیرمولد
	زوال بخش‌های تولیدی	افول کشاورزی	خردشدن زمین‌ها، قیمت پایین محصولات، هزینه بالای نهاده‌ها، مشکل بازار فروش، تغییر کاربری اراضی
		زوال دامداری	هزینه بالای علوفه، مشکل فروش محصولات دامی، عدم حمایت دولتی، ممنوعیت‌های زیست‌محیطی
	کمبود اشتغال پایدار	بیکاری	نبود فرصت‌های شغلی برای جوانان و زنان، غلبه اتباع بر مشاغل خدماتی، مهاجرت نیروی کار
حکمرانی و مدیریت	ناکارآمدی نهادی	عدم چشم‌انداز بلندمدت	نبود برنامه راهبردی، روزمرگی مدیریتی، عدم هماهنگی نهادهای محلی و دولتی
		فساد اداری	رشوه، نفوذ در صدور مجوزها، زمین‌خواری، تأخیر در خدمات اداری

۱. در گونه‌شناسی پایداری خدمات ذیل عرصه اجتماعی تحلیل شد.

۲. منظور از اولویت، فراوانی تکرار مقولات فرعی آن در مصاحبه‌های افراد مشارکت‌کننده است.

		تمرکزگرایی	تصمیم‌گیری متمرکز در تهران، نادیده گرفتن ظرفیت‌های محلی، ناتوانی در خوداتکایی روستا
		تبعیض در تخصیص منابع	شکاف درآمدی، عدم تعادل در توسعه روستاها، نبود امکانات متناسب با جمعیت
اجتماع	انسجام و سرمایه اجتماعی	وجود روابط اجتماعی، اعتماد و مشارکت نسبی	نقش بزرگان و ریش‌سفیدان در مدیریت اجتماعی؛ تعاملات طایفه‌ای و فامیلی؛ همبستگی در فعالیت‌های عمومی
	امنیت	برقراری امنیت نسبی	وجود تقریب اعتماد مردمی، سابقه اندک سرقت و ناامنی، نبود مزاحمت، اعتماد به فضای روستا، ناامنی حاصل شهرک‌های اقماری
	رضایت	فرسایش امید، دچار روزمرگی شدن	ناامیدی شغلی جوانان؛ نبود تفریح و سرگرمی برای جوانان و زنان
	گروه‌های اجتماعی	کمبود فرصت‌های برابر	کمبود فرصت‌های شغلی و اقتصادی برای زنان، کمبود امانات تفریحی، نبود فرصت‌های شغلی اشتغال و امنیت روانی برای جوانان
	مشارکت	نقش موثر مردم در توسعه محلی	مشارکت مردمی، نقش شورای حل اختلاف
	سبک زندگی	تضاد و چالش سنت و مدرنیته	ورود سبک مصرفی زندگی جدید، تأثیر شهرگرایی بر سبک زندگی روستایی، کاهش تولید محلی و وابستگی به شهر
زیرساخت و خدمات	ضعف خدمات عمومی	خدمات درمانی ناکافی	نبود درمانگاه یا بیمارستان مجهز، فعالیت محدود خانه بهداشت، مشکل دسترسی به پزشک
		خدمات آموزشی ضعیف	کمبود مدرسه، کمبود معلم، کلاس‌های چندپایه مدرسه، نبود وسیله نقلیه مناسب برای دانش‌آموزان
		نبود حمل و نقل عمومی	وابستگی به خودروی شخصی، مشکل تردد به ویژه در زمستان
		ضعف مدیریت پسماند	نبود سیستم مکانیزه جمع‌آوری زباله، آلودگی ناشی از رهاسازی زباله
محیط زیست	امنیت آب	حساسیت منابع آبی	رودخانه جاجرود، سد لتیان، تأمین آب شرب تهران، محدودیت‌های شدید ساخت‌وساز
		نبود زیرساخت‌های محیطی	فقدان شبکه فاضلاب، آلودگی منابع آبی، تخلیه فاضلاب رستوران‌ها به رودخانه
	تخریب محیط زیست	تعارض کارکردی	تعارض بین حفاظت و توسعه، ممنوعیت‌های بدون جبران خسارت، تخریب ناشی از گردشگری بی‌ضابطه
فرهنگ و آموزش	هویت فرهنگی	میراث تاریخی قوی	وجود مساجد تاریخی، امامزاده‌ها، درخت کهنسال چنار، تپه‌باستانی
		هویت محلی و فرهنگ بومی	وجود طایفه‌های گوناگون، چهار محله، حسینه‌های فعال، آیین‌های محلی
		تضاد فرهنگی	تفاوت سبک زندگی بومیان و غیربومیان، ناهنجاری‌های ناشی از گردشگران
		تحول مذهبی-فردگرایانه	کاهش مناسک مذهبی، کم‌رنگ شدن مراسم دینی در تولد، ازدواج و مرگ
	نظام آموزشی	تنگناهای آموزشی	کمبود معلم، چندپایه‌بودن کلاس‌ها، هزینه‌کرد دهیاری برای مدارس، فقدان مقطع متوسطه، مهاجرت آموزشی
		برنامه‌های فعال آموزشی و فرهنگی	وجود کتابخانه فعال، برگزاری برنامه‌های فرهنگی، استقبال دانش‌آموزان، چالش در جذب مخاطب

در ادامه عرصه‌ها و گونه‌های پایداری برحسب مقولات زیر مجموعه تشریح می‌شوند.

۱-۱-۵. مسئله پایداری جمعیتی: ساختار جمعیتی، در روستای مورد مطالعه با روندی ناپایدار روبه‌رو است. تقریباً تمام افراد مصاحبه‌شونده، نبود جمعیت کافی را نشانه توسعه نیافتگی روستا می‌دانند. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در این عرصه، کاهش

جمعیت بومی و مهاجرت جوانان به شهرها به دلیل کمبود فرصت‌های شغلی، ضعف خدمات آموزشی و درمانی و نبود جذابیت کافی برای ماندگاری است. از طرف دیگر روستا جمعیت کافی و مقرر سازمان‌های دولتی را ندارد تا خدمات آموزشی و بهداشتی مد نظر ساکنان را دریافت کند. دهیار سابق روستا (آقای م. ص.) می‌گوید: «مشکل اصلی روستا نبود جمعیت است ... دولت زیرساخت ایجاد نکرده تا مردم برگردند ... از طرف دیگر دولت می‌گوید تا حد معینی جمعیت نباشد، خدمات آموزشی و بهداشتی کافی نمی‌دهد».

بسیاری از خانوارهای بومی به تدریج روستا را ترک کرده‌اند و تنها در فصول خاص، به‌ویژه تابستان، بازمی‌گردند. این وضعیت به شکل‌گیری نوعی جمعیت شناور انجامیده است به گونه‌ای که در ایام تعطیل جمعیت روستا ۳ الی ۴ برابر می‌شود. این مسئله فشار مضاعفی بر خدمات و زیرساخت‌های روستا وارد می‌کند. در این باره فرماندار وقت (آقای م. ذ.) بیان می‌کند: «حدود ۵۰۰۰ نفر در این منطقه از خدمات استفاده می‌کنند، درحالی‌که دولت بر اساس پیش‌بینی‌های خود، جمعیت روستا را ۱۲۰۰ یا ۱۳۰۰ نفر برآورد کرده است ... ما به دولت پیشنهاد داده‌ایم که جمعیت ثابت و شناور را در محاسبات لحاظ کند ... درست است که این افراد در تهران زندگی می‌کنند، اما پنجشنبه و جمعه به اینجا می‌آیند و از امکانات روستا مانند چاه، آب، برق، گاز، نان و ... استفاده می‌کنند. این خدمات از سرانه یارانه این منطقه تأمین می‌شود» (مصاحبه‌های اکتشافی).

از سوی دیگر، افزایش جمعیت مهاجران افغانستانی به یکی از مسائل محوری تبدیل شده است؛ به‌طوری‌که بر اساس اطلاعات خانه بهداشت در سال ۱۴۰۴، حدود ۳۵ درصد از جمعیت ثابت روستا را اتباع افغانستانی تشکیل می‌دهند و بیشتر مراجعین خانه بهداشت و بخش قابل توجهی از دانش‌آموزان مدارس، آنان هستند. این امر علاوه بر تغییر ترکیب جمعیتی و کاهش جمعیت ایرانی، به بروز نارضایتی مردم محلی منجر شده است.

ترکیب جمعیتی روستا همزمان با پیری جمعیت ایرانیان و جوانی جمعیت مهاجران افغانستانی، ناپایداری بیشتری پیدا کرده است. از یک سو خانواده‌های ایرانی به دلیل کاهش نرخ زادوولد و مهاجرت فرزندان با روند سال‌خوردگی مواجه‌اند، و از سوی دیگر، اتباع مهاجر با نرخ بالای زادوولد در حال افزایش هستند. این گروه که عمدتاً جوان و فعال هستند، در بخش‌های خدماتی و ساختمانی اشتغال دارند. دهیار وقت روستا (آقای ن. ق.) در این باره می‌گوید: «جوانان یا به شهر می‌روند یا به کارگران افغانستانی تبدیل می‌شوند ... افغانستانی‌ها از سرانه ما استفاده می‌کنند ولی دولت هزینه آن‌را به ما نمی‌دهد ... وجود افغانستانی‌ها برای روستاها ایراد دیگری هم دارد؛ باعث شده اکثر ویلادارها، ویلاهایشان را به دست آن‌ها بدهند، درحالی‌که جوان‌های خود روستا بیکارند». این وضعیت پیامدهای مهمی برای آینده اجتماعی، آموزشی و فرهنگی روستا به همراه داشته است و دارد.

۵-۱-۲. مسئله پایداری اقتصادی - معیشتی: بعد از جمعیت، دومین عرصه مورد توجه مسئولین و ساکنین محلی، اقتصاد و معیشت بود. پایداری اقتصادی در روستای مورد مطالعه با مشکلاتی چندبعدی روبه‌روست. نخست، افول کشاورزی و دامداری، پایه‌های اصلی معیشت سنتی روستا، است. خرد شدن زمین‌های کشاورزی، افزایش هزینه‌های نهاده‌ها و نگهداری دام، حمله حیوانات وحشی (مانند گراز) و همچنین محدودیت‌های ناشی از قوانین محیط‌زیستی در محدوده سد لتیان، سبب کاهش شدید تولیدات کشاورزی و دامی شده و بسیاری از کشاورزان و باغداران را از ادامه فعالیت بازداشته است. رئیس شورای حل اختلاف (آقای ا. ش.) در این خصوص بیان می‌کند: «بر اساس مصوبه شورای عالی امنیت ملی، صنعت که آلودگی و مسائل مربوط به خود را دارد و به ما اجازه نمی‌دهد، دامپروری هم که محدودیت‌های خاص خودش را دارد. مثلاً برای مراتع منطقه ما گفته‌اند باید فقط ۶۰۰ راس گوسفند چرا کند. در صورتی که تنها یکی از دامداران ما ۶۰۰ راس گوسفند دارد ... پس همه چیز قفل شده است».

یکی از دامداران روستا (آقای ع. ش.) نیز می‌گوید: «الان یک کامیون یونجه می‌شود ۷۰ میلیون تومان، از کجا تأمین کنیم؟ یک کامیون کاه می‌شود ۵۰ میلیون که برای یک ماه ۴۶ راس دام است. فقط کاه و یونجه نیست، سبوس، کنسنتره و چیزهای دیگر هم هست و صرف نمی‌کند ... زمانی بود تمام این زمین‌ها گندم و جو بود؛ در منطقه هم جو و هم کاه تأمین بود، بنابراین مقرون به صرفه بود، اما الان یک نفر نیست این کار را انجام دهد» در کنار این مسئله، رشد اقتصاد دلالی و ساخت‌وساز جایگزین اقتصاد مولد شده است. یکی از مشاوران املاک (آقای م. ص.) در این باره بیان می‌کند که: «اقتصاد مریض شده است؛ فقط دلالی جواب می‌دهد. اینجا ۲۰ بنگاه املاک دارد، اما حتی یک کارگاه تولیدی نیست ... اقتصاد سالم تولید است ... شما اگر فکر کنید اینجا یک نفر می‌گوید من اموراتم را از محصولات کشاورزی یا دامداری‌ام می‌گذرانم اصلاً چنین چیزی وجود ندارد. اینجا فقط تعدادی املاکی هست، که ساختمان‌های مجاز و غیرقانونی بسازند، تعدادی افغانی و تعدادی کارگر ایرانی که در آن‌ها کار می‌کنند». ورود سرمایه‌گذاران شهری، تغییر کاربری زمین‌های زراعی و تبدیل آن‌ها به ویلاهای لوکس، نه تنها هویت روستایی را تضعیف کرده بلکه وابستگی معیشتی به بازاری ناپایدار و شکننده ایجاد کرده است. در عین حال، روستا از نبود فرصت‌های شغلی متنوع و پایدار رنج می‌برد. بیکاری جوانان بومی و مهاجرت آنان به شهرها، هم‌زمان با اشتغال گسترده مهاجران افغانستانی در مشاغل محلی، ترکیب بازار کار را به زیان ساکنان بومی تغییر داده است.

برآیند این وضعیت، حرکت اقتصاد محلی از یک نظام مولد کشاورزی - دامداری به سمت وابستگی به ساخت‌وساز و دلالی است. در واقع، عرصه اقتصادی در روستا تحت تأثیر ترکیبی از عوامل ساختاری (نظیر سیاست‌های ناکارآمد، فساد اداری، محدودیت‌های قانونی و حریم ساخت‌وساز، زمین‌های خردشده) و عوامل کارکردی (مانند ناکارآمدی کشاورزی، مهاجرت، رشد دلالی، و بیکاری) به یکی از نقاط بحرانی پایداری تبدیل شده است. احیای اقتصاد محلی نیازمند تغییر سیاست‌های حمایتی، بازتعریف الگوهای مالکیت، تقویت تولید درون‌زا، و ایجاد فرصت‌های اشتغال متناسب با ظرفیت‌های محلی و نیروی انسانی روستاست.

۳-۱-۵. مسئله پایداری مدیریتی - حاکمیتی: پایداری مدیریتی در روستای مورد مطالعه با مشکلات ساختاری و نهادی جدی مواجه است. نخستین مسئله، «فقدان چشم‌انداز و برنامه‌ریزی بلندمدت» برای توسعه روستاست؛ مدیریت محلی عموماً به فعالیت‌های مقطعی و کوتاه‌مدت مانند آسفالت‌ریزی، روشنایی یا زیباسازی محدود شده و پروژه‌های راهبردی با افق ۲۰ تا ۳۰ ساله نادیده گرفته شده‌اند. این رویکرد روزمره‌گی و بی‌ثباتی مدیریتی، مانع شکل‌گیری برنامه‌های توسعه پایدار شده است. دهیار وقت (آقای ن. ق.) در این زمینه می‌گوید: «دولت‌ها هیچ‌کدام چشم‌اندازی برای روستاها ندارند. تنها اتفاقی که می‌افتد این است که یک سری اعضای شوراها و دهیارها می‌آیند کارهای روزمرگی انجام می‌دهند ... چون آقایانی که می‌آیند پشت این میز، می‌دانند ماندگار نیستند (۱ یا ۲ سال هستند) و با خود می‌گویند بیست سال دیگر این‌جا را تعریف کنیم برای چه کسی؟ برای چه؟ فرصت خود را صرف این موضوع نمی‌کند». از سوی دیگر، فقدان شفافیت و بوروکراسی ناکارآمد، فساد اداری و ناهماهنگی بین نهادهای محلی و دولتی از مهم‌ترین موانع برای توسعه رشد و توسعه روستا هستند. رئیس شورای وقت (آقای ح. م.) در این خصوص بیان می‌کند: «امروزه اگر ادارات دولتی را تعطیل کنند مردم با نماینده‌هایشان بهتر عمل می‌کنند تا دستگاه‌های دولتی ... فساد اداری بیداد می‌کند»، صحبت فرماندار نیز این مسئله را تأیید می‌کند: «متأسفانه ساخت‌وساز غیر مجاز در این منطقه انتها ندارد. شما هرچیز را تخریب کنی، دوباره فردا رویش می‌سازند. قوانین، زد و بندها، توصیه‌ها، سفارش‌ها و ... در این منطقه حد و اندازه ندارد». در نهایت محدودیت‌های قانونی و زیست‌محیطی ناشی از حریم ۱۵۰ متری رودخانه جاجرو و بالا دست سد لتیان بودن نیز امکان توسعه متوازن را محدود کرده و تنش میان نهادهای اجرایی و جامعه محلی را افزایش داده است. صحبت دهیار وقت (آقای ن. ق.) بر این مسئله صحنه می‌گذارد: «می‌گویند به دلیل بالادست سد بودن، جایی که آب شرب جاهای دیگر را تأمین می‌کند، باید فاصله حریم ساخت‌وسازها از رودخانه ۱۵۰ متر باشد ... همچنان مردم را از حق خود محروم می‌کنند».

یکی از فعالان اقتصادی روستا می‌گوید: «به خاطر سد لثیان و آب شرب تهران حساسیت روی اینجا زیاد است و به دلیل مصوبه امنیت ملی برای فعالیت‌های اقتصادی مجوز نمی‌دهند؛ یعنی برای دامداری کشاورزی مرغداری پرورش ماهی و ...». علاوه بر این، الگوی حکمرانی روستا با فقدان مشارکت مؤثر مردمی همراه است؛ اگرچه نمونه‌هایی از مشارکت در ساخت مدرسه یا بیمارستان وجود داشته، اما این ظرفیت به‌طور پایدار نهادینه نشده و به دلیل رقابت ناسالم میان محلات و روستاهای مجاور، اغلب به تضاد و تضعیف همکاری‌ها منجر شده است. بر اساس گفته‌های مسئولین ذی‌ربط، راه برون‌رفت از این وضعیت در بازنگری قوانین سخت‌گیرانه، تقویت ساختار شورا و دهیاری، افزایش شفافیت در فرآیندهای اداری، و نهادینه‌سازی مشارکت مردمی از طریق تعاونی‌های محلی و برنامه‌ریزی مشارکتی نهفته است.

۴-۱-۵. مسئله پایداری اجتماعی: تحلیل عرصه اجتماعی در دو بخش اجتماع و زیرساخت و خدمات قابل تحلیل است:

الف) اجتماع: وضعیت پایداری اجتماعی در روستا نشان‌دهنده ترکیبی از سرمایه اجتماعی سنتی و چالش‌های نوظهور است که انسجام اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده است. بر اساس داده‌های میدانی، ساختار سنتی مبتنی بر طایفه و خویشاوندی هنوز نقش مهمی در تنظیم روابط اجتماعی و حل اختلافات ایفا می‌کند. نهادهایی مانند شورای حل اختلاف و ریش‌سفیدان محلی در مدیریت منازعات محلی مؤثر عمل می‌کنند. رئیس شورای حل اختلاف وقت (آقای ا. ش.) در این زمینه بیان می‌کند: «حدود دو سال است که شعبه در اینجا افتتاح شده است، بالغ بر ۳۰۰ فقره پرونده بررسی کرده‌ایم. به حمدالله نزدیک به ۹۶ تا ۹۷ درصد پرونده‌هایمان با وساطت و کدخداهایی به صلح و سازش منتهی شده است».

از طرفی افزایش رقابت‌های طایفه‌ای در انتخابات محلی، و کمبود نسبی اعتماد به نهادهای عمومی و احساس تبعیض میان ساکنان، سرمایه اجتماعی روستا را تا حدودی تحت تأثیر قرار داده است. در یک مصاحبه گروهی، ریش‌سفیدان در کلو محله به اتفاق می‌گفتند که: «شورا و دهیاری، به محله خود بیشتر توجه دارند». یا یکی از جوانان (آقای م. ص.) روستا بیان می‌کرد که: «در انتخاب دهیار و اعضای شورا طایفه‌گری می‌شود. اینجا طوایف و فامیلی‌های مختلفی است که جمع می‌شوند به دفعه می‌گویند فلان شخص انتخاب شود. حال ایشان ساکن دائم لواسان باشد یا تهران مهم نیست، بالاخره باید عضو شورا شود».

شکاف‌های اجتماعی بین گروه‌های مختلف ساکن در روستا از دیگر چالش‌های قابل توجه است. این شکاف‌ها بیشتر بین بومیان و غیربومیان، جوانان و سالمندان، و زنان و مردان است که به کاهش انسجام اجتماعی انجامیده است. به ویژه، حضور پررنگ اتباع افغانستانی بدون ادغام کامل در ساختار اجتماعی، سبب نوعی دوگانگی اجتماعی شده است.

احساس ناامنی اجتماعی اگرچه در سطح پایین قرار دارد، اما تحت تأثیر شهرک اقماری پردیس و ورود گردشگران تا حدودی دیده می‌شود. یکی از ساکن روستا (آقای ع. ص.) در این باره می‌گوید: «روستا حیات خلوت منطقه‌ای به نام پردیس شده است ... از محصولات میوه گرفته تا خورده آهن و دزدی منزل و غیره صورت می‌گیرد». با این حال، روستا هنوز از امنیت نسبی برخوردار است و موارد جدی جرم و جنایت نادر است. بهروز (خانم ا. ش.) روستا نیز بیان می‌کند: «خدا را شکر روستای امنی است. کلاً روستاهای دهستان لواسان بزرگ امنیت خوبی دارد. الان من چندین سال است که اینجا کار می‌کنم هیچ مشکلی ندیدم، حتی یک مزاحمت کوچک از اتباع». در مقابل، نکته قابل توجه این است امنیت شغلی در روستا ضعیف است. تقریباً تمام افراد مصاحبه‌شونده مهم‌ترین معضل روستا را کمبود اشتغال می‌دانستند. کاهش مشارکت اجتماعی به‌ویژه در میان نسل جوان از نگرانی‌های اصلی است. نبود فرصت‌های شغلی، کمبود امکانات تفریحی و فرهنگی، و احساس تبعیض در توزیع منابع، به بی‌تفاوتی اجتماعی و کاهش حس تعلق منجر شده است. نابرابری‌های اجتماعی نیز مشاهده می‌شود؛ به‌ویژه زنان و جوانان فرصت محدودی برای مشارکت اقتصادی و اجتماعی دارند که این

امر سبب «فرسایش امید»، «کاهش تعلق به روستا» و «افزایش تمایل به مهاجرت» شده است. نمونه‌ای از مصاحبه‌ها که موید این مسئله است در زیر آورده شده است:

«اینجا هیچ شغل غالب مشخصی وجود ندارد. نه بازار است و نه پول که مردم بخواهند کار کنند ... ما هیچ تفریحی نداریم. صبح می‌رویم سر کار تا هوا تاریک شود» (علی، ۲۸ ساله، ساکن روستا)

«اینجا هیچ امکاناتی ندارد من ۳۸ سال است از تهران آمده‌ام اینجا زندگی می‌کنم خیلی پشیمان هستم. نصف عمرم از بین رفت ... همش در خانه هستم؛ فقط آشپزی، خسته شدم» (اعظم، ۵۶ ساله، خانه دار).

ب) خدمات و زیرساخت: چندپایه بودن کلاس‌های مدرسه، ناکافی بودن خدمات درمانی و مشکلات آب و فاضلاب، کیفیت زندگی ساکنان را کاهش داده است. همچنین بر اساس داده‌های میدانی، ضعف سیستم حمل و نقل عمومی به عنوان یکی از اصلی‌ترین چالش‌ها محسوب می‌شود. نبود اتوبوس یا سرویس منظم، دسترسی ساکنان به مراکز درمانی، آموزشی و اداری شهرهای مجاور را با مشکل مواجه کرده است. تقریباً تمام ساکنین، بالاخص سالمندان روستا به این مشکل اشاره داشتند.

خانه بهداشت روستا با کمبود نیروی متخصص و امکانات اولیه مواجه است و بیمارستان در شهر مجاور قرار دارد. این وضعیت به‌ویژه برای سالمندان و افراد دارای بیماری‌های مزمن چالش‌برانگیز است. در این خصوص حسین (ساکن روستا) روایت می‌کند: «یکی از اهالی که جوان بود، فشارش رفت بالا، اورژانس دو ساعت بعد آمد و تا بیمارستان تمام کرد. حتی یک اورژانس ندارد. اگر داشت بنده خدا نمی‌مرد. اورژانس باید از پردیس بیاید، قبل از اینکه برسد مریض تلف شده است». یا معصومه و زهرا (ساکنان روستا) بیان می‌کنند: «داروخانه نداریم... همسایه‌ها به هم دارو قرض می‌دهند». یکی دیگر از زنان روستا در تأیید این کاستی می‌گوید: «مرکز بهداشت، همیشه نیست. برای دوا و درمان مردم مشکل دارند. اگر دارویی بخواهیم اینجا نیست. برای مایحتاج مردم، اینجا فقط چند تا سوپرمارکت دارد، چون جمعیت ندارد».

مستولان از جمله فرماندار، دهیار و اعضای شورا می‌گفتند که حتی پس از سال‌ها، پروژه فاضلاب روستا کامل نشده است؛ به گفته فرماندار وقت «قرار بود تا سال ۹۵ شبکه جمع‌آوری فاضلاب اجرا شود، اما دولت اجرا نکرده و توسعه روستا متوقف شده است». دهیار سابق (آقای م. ص.) نیز در این باره می‌گوید: «لوله کشی‌های آب و فاضلاب روی قاعده و قانون نیست و طبق مهندسی انجام نشده است. در مسیر لوله‌ها فشار شکن ندارد، این امر باعث می‌شود که لوله کشی‌ها آسیب ببینند و مثلاً برای یک ماه آب به مشکل می‌خورد. چون این‌ها تحت نظارت سازمان آب و مهندسی نیست، وقتی لوله‌ها تحت فشار قرار می‌گیرند می‌ترکند و گاهی تا دو ماه شرایط به همین روال است. بر روی بحث آب بیشتر باید تمرکز شود».

۵-۱-۵. مسئله پایداری محیطی - بوم‌شناختی: در حوزه محیطی، نخستین مسئله، امنیت آب و محدودیت‌های ناشی از حریم ۱۵۰ متری سد لتیان و رودخانه جاجرود است که عملاً فعالیت‌های کشاورزی، دامداری، ساخت‌وساز و صنعتی را محدود کرده و موجب نارضایتی گسترده میان ساکنان شده است. این محدودیت‌ها، که با هدف حفاظت از منابع آب شرب تهران اعمال شده‌اند، در تعارض مستقیم با نیازهای توسعه‌ای و معیشتی روستا قرار دارند و به گسترش ساخت‌وساز غیرمجاز و تعارض میان مردم و نهادهای دولتی منجر شده‌اند.

از سوی دیگر، فشار جمعیتی ناشی از گردشگران فصلی و حضور گسترده جمعیت شناور، علاوه بر تخریب باغات و محصولات کشاورزی، موجب آلودگی منابع آب و افزایش تضادهای فرهنگی و اجتماعی شده است. در حالی که طبیعت بکر منطقه ظرفیت بالایی برای توسعه اکوتوریسم و گردشگری پایدار دارد، فقدان مدیریت یکپارچه و سرمایه‌گذاری هدفمند، این ظرفیت‌ها را بلااستفاده گذاشته و حتی در برخی موارد به تهدیدی برای محیط‌زیست و منابع طبیعی تبدیل کرده است. قاضی بازنشته و خیر روستا (آقای ا. ش.) در این باره می‌گوید: «گردشگران مراتع را تخریب می‌کنند. به عنوان مثال امسال در فصل سبزی و قارچ که سهم خودروستاییان

است، پنجشنبه جمعه‌ها می‌آمدند در کوه‌ها و گیاهانی مثل والگ یا قارچ را که نباید از ریشه کند از ریشه می‌کنند و رعایت نمی‌کردند ... یا در فصل گردو که می‌شود می‌آیند گردوهای مردم را می‌برند. این موارد باعث شده است که مردم رغبتی به گردشگر و گروه‌های کوهنوردی نداشته باشند».

در مجموع، پایداری محیطی - بوم‌شناختی روستا تحت تأثیر تعارض میان حفاظت محیط زیست و نیازهای معیشتی محلی، تخریب منابع طبیعی ناشی از ساخت‌وساز و ضعف مدیریت در حوزه آب، فاضلاب و پسماند قرار دارد.

۵-۱-۶. مسئله پایداری فرهنگی: این عرصه در سه بخش فرهنگ، آموزش و گردشگری قابل تحلیل است.

الف) فرهنگ: در حوزه فرهنگ، روستا از یک سو دارای ظرفیت‌های ارزشمند فرهنگی، مذهبی و هویتی است (وجود محلات و طوایف متنوع، حسینیه‌ها، مساجد تاریخی، آیین‌های مذهبی و محلی، و میراث ثبت‌شده مانند مسجد امام حسن عسکری و درخت چنار چندصد ساله). اما از سوی دیگر، ورود جمعیت غیربومی و گردشگران موجب تغییراتی در سبک زندگی روستاییان بالاخص جوانان شده است. مصاحبه‌شوندگان از کم‌رنگ شدن مراسم سنتی، کوچک‌تر شدن مناسک مذهبی (مانند عزاداری‌ها و مراسم گذار)، و ناهنجاری‌های اجتماعی ناشی از رفتار گردشگران (مصرف مشروبات، پوشش نامناسب، مصرف مواد) سخن گفته‌اند: «خودمان با هم خیلی خوش هستیم. اگر از تهران نیایند ما خیلی راضی هستیم، اما تهرانی‌ها جو ما را به هم می‌زنند، طرز پوشششان برای اینجا مناسب نیست. اینجا محله‌ای بومیست و خیلی پوشش آن‌ها را نمی‌پسندند. مدام برای ما حرف و حدیث و تنش ایجاد می‌کنند. می‌گویند فلان فرد را در آن خانه گرفتند» (معصومه، ۴۱ سال، خانه‌دار).

همچنین روستا به سمت تبدیل شدن به فضای شهری پیش می‌رود. خانه‌ها و ویلاها دیگر نشانگر فرهنگ سنتی نیستند. ویلاهای جدید، نه نشانی از روستا دارند نه سبک زندگی ساده‌روستایی. این امر گویای شبه‌شهری شدن فضا و از میان رفتن هویت فرهنگی است. از طرف دیگر حذف اقتصاد خانگی سنتی، که بخش مهمی از فرهنگ تولید و معیشت روستا بود، موجب از بین رفتن نقش‌های فرهنگی زنان، روابط بین نسلی، و حس تعلق اجتماعی و به بیان دقیق‌تر تولید خانگی و نقش فرهنگی خانواده شده است. رئیس شورای حل اختلاف وقت (آقای ا. ش.) در این باره می‌گوید «دیگر اقتصاد خانگی نداریم... روستا دیگر تولیدی ندارد، همه چیز را باید از شهر آورد».

ب) آموزش: مدرسه روستا با کمبود نیروی انسانی و تجهیزات آموزشی روبه‌رو است و کلاس‌ها به صورت چندپایه اداره می‌شوند. تعداد دانش‌آموزان پایین و کمبود معلمان باعث شده خانواده‌ها به مهاجرت تحصیلی به تهران یا روستاهای مجاور اقدام کنند. مدیر مدرسه روستا (خانم م. س.) در این زمینه بیان می‌کند که: «مشکل اصلی مدرسه در اینجا چندپایه بودن کلاس‌هاست؛ پایه اول و دوم، سوم و چهارم، پنجم و ششم... برنامه چندپایه برای معلم کار سختی است». افزون بر این، نسبت بالای دانش‌آموزان افغان^۱ به کاهش توازن آموزشی و افزایش تمایل خانواده‌های ایرانی به ترک روستا دامن زده است. این وضعیت به کاهش کیفیت آموزش، افت تحصیلی و ضعف در پرورش نیروی انسانی بومی منجر شده و مهاجرت جوانان را تشدید می‌کند. بهروز روستا (خانم ا. ش.) می‌گوید: «اینجا دانش آموز دارد اما به دلیل اینکه بیشتر دانش‌آموزان مدرسه اتباع هستند خیلی افراد بچه‌های خود را می‌برند کلان یا سد لثیان که معلمان با سابقه‌تری هم دارند». در مقابل، کتابخانه روستا با فعالیت‌هایی چون نمایش عروسکی و قصه‌خوانی تلاش کرده است تا زمینه‌های فرهنگی و آموزشی را تقویت کند، اما این اقدامات پراکنده و ناکافی است.

ج) گردشگری: گردشگری به عنوان یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های اقتصادی-فرهنگی روستا، هم فرصت و هم تهدید است. وجود آثار تاریخی، بافت‌های قدیمی، مناظر طبیعی (رودخانه جاجرود، تپه تاریخی سرقلعه، امام‌زاده‌ها) و اقلیم مناسب، امکان توسعه گردشگری را فراهم ساخته است. با این حال، فقدان برنامه‌ریزی منسجم و نبود زیرساخت‌های لازم موجب شده گردشگری به

۱. بر اساس آمار خانه بهداشت، از ۴۴ دانش‌آموز مدرسه تقریباً ۳۰ نفر افغانستانی هستند.

شکل ناپایدار و فصلی رشد کند. پیامدهای این وضعیت شامل تخریب بافت تاریخی، افزایش فشار بر منابع آب و خاک، ترافیک و آلودگی، و همچنین بروز تعارضات فرهنگی میان ساکنان بومی و گردشگران است.

ظرفیت‌های گردشگری طبیعی و فرهنگی روستا به دلیل نبود مدیریت یکپارچه، عدم تبلیغات و ضعف زیرساخت اقامتی بلااستفاده مانده و حتی ورود بی‌برنامه گردشگران موجب آسیب به محیط زیست و بافت اجتماعی روستا شده است. مسئول کتابخانه (خانم ل. ف.) در این باره می‌گوید: «اینجا هم مکانی زیارتی است هم سیاحتی و گردشگری، ولی یک جایی برای استراحت ندارد. کنار مسجد می‌توانستند زائرسرا بزنند ... هیچکس نیست که این‌ها را معرفی کند و نشان دهد؛ غیر از آب و هوا موارد بسیار دیگری هست». دهیار وقت (آقای ن. ق.) نیز بیان می‌کند: «جاذبه گردشگری داریم، ولی متأسفانه نه تبلیغ خوبی شده و نه این که هزینه به آن اختصاص داده شده و نه کسی سرمایه‌گذاری کرده است ... در منطقه شمیرانات بزرگترین چیزی که داریم قطب فرهنگی بودنمان است. درون این روستا، چهار حسینیه، دو امام‌زاده و مسجد امام حسن عسکری داریم. در هیچ روستایی در سطح ایران، یک چنین چیزی نداریم. شبیه حسینیه ابا عبدالله الحسین در سطح ایران شاید دو یا سه عدد باشد».

۲-۵. سطح دوم: علت‌کاوی پایداری برحسب عرصه‌ها

تحلیل روابط میان عرصه‌های پایداری نشان می‌دهد که ابعاد پایداری روستایی در قالب نظامی پیچیده و به هم پیوسته عمل می‌کنند که در فرآیندهای توسعه‌ای آن مؤثرند، اما برخی عوامل وزن تبیینی بیشتری دارند. یافته‌ها بیانگر آن است که دو عامل ساختاری «نزدیکی روستا به پایتخت (تهران)» و «موقعیت زیست‌محیطی در حریم سد لتیان و مناطق حفاظت شده»، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری مسائل پایداری یا ناپایداری توسعه در روستا دارند. نزدیکی به تهران از یک سو فرصت‌هایی مانند دسترسی به بازار کار و خدمات، سرمایه‌گذاری شهری و گردشگری را ایجاد کرده، اما از سوی دیگر موجب مهاجرت جوانان، افزایش قیمت زمین، گسترش ساخت‌وساز غیرمجاز، تغییر کاربری اراضی، ورود جمعیت شناور فصلی و در نهایت وابستگی معیشتی به اقتصاد دلالی شده است. با اینکه نقش خورده مالکی و خورد شدن اراضی (ناشی از قوانین ارث)، کاهش صرفه اقتصادی تولید و به تبع آن افزایش تغییر کاربری اراضی، در تبدیل اقتصاد تولید محور به اقتصاد غیرمولد در روستا حائز اهمیت هستند و مردم محلی بیشتر بر مسئله جمعیت و معیشت تأکید می‌کنند، اما در نگاه مسئولین دولتی، این دو عامل زمینه‌ساز بخش زیادی از ناپایداری در سایر عرصه‌ها به حساب می‌آیند. قرارگیری در حریم سد لتیان و محدودیت‌های ناشی از آن، مانع بهره‌گیری از ظرفیت نزدیکی به تهران شده و فعالیت‌های صنعتی، اقتصادی و تولیدی (مانند کشاورزی و دامداری) را بدون ارائه راهکارهای جبرانی و زیرساختی به شدت محدود کرده است. این وضعیت به «قفل توسعه» و تعطیلی فعالیت‌های تولیدی محلی انجامیده و یکی از عوامل اصلی افول اقتصاد بومی و تغییر ساختار معیشتی محسوب می‌شود.

برخی عرصه‌ها و مؤلفه‌ها هم‌زمان هم عامل و هم پیامد هستند. مهم‌ترین شاخص پایداری که وزن بالایی در تبیین آن دارد، «جمعیت» است. «کاهش و تغییر ساختار جمعیتی» از یک سو پیامد افول معیشت، نبود فرصت‌های شغلی، ناکارآمدی امکانات آموزشی، مهاجرت جوانان، سالخوردگی جمعیت بومی و ورود نیروی کار مهاجر (افغانستانی) است، و از سوی دیگر خود عاملی برای افت کیفیت آموزش، کاهش دریافت خدمات دولتی، تضعیف انسجام فرهنگی و سرمایه اجتماعی عمل می‌کند. در مقابل، افول نظام اقتصادی به مهاجرت و کاهش جمعیت دامن زده است. البته سیر کاهش جمعیت روستایی (در سطح بین‌المللی و ملی) را نباید نادیده گرفت، اما عوامل مذکور تسریع‌کننده این روند در روستای مورد مطالعه هستند.

نظام حکمرانی موجود نیز نه تنها تعدیل‌کننده تعارضات ساختاری نبوده، بلکه خود به عاملی کلیدی در تشدید چرخه ناپایداری تبدیل شده است. حکمرانی در این منطقه با سه چالش بنیادین «تمرکزگرایی»، «نبود ظرفیت نهادی محلی»، و «فقدان چشم‌انداز

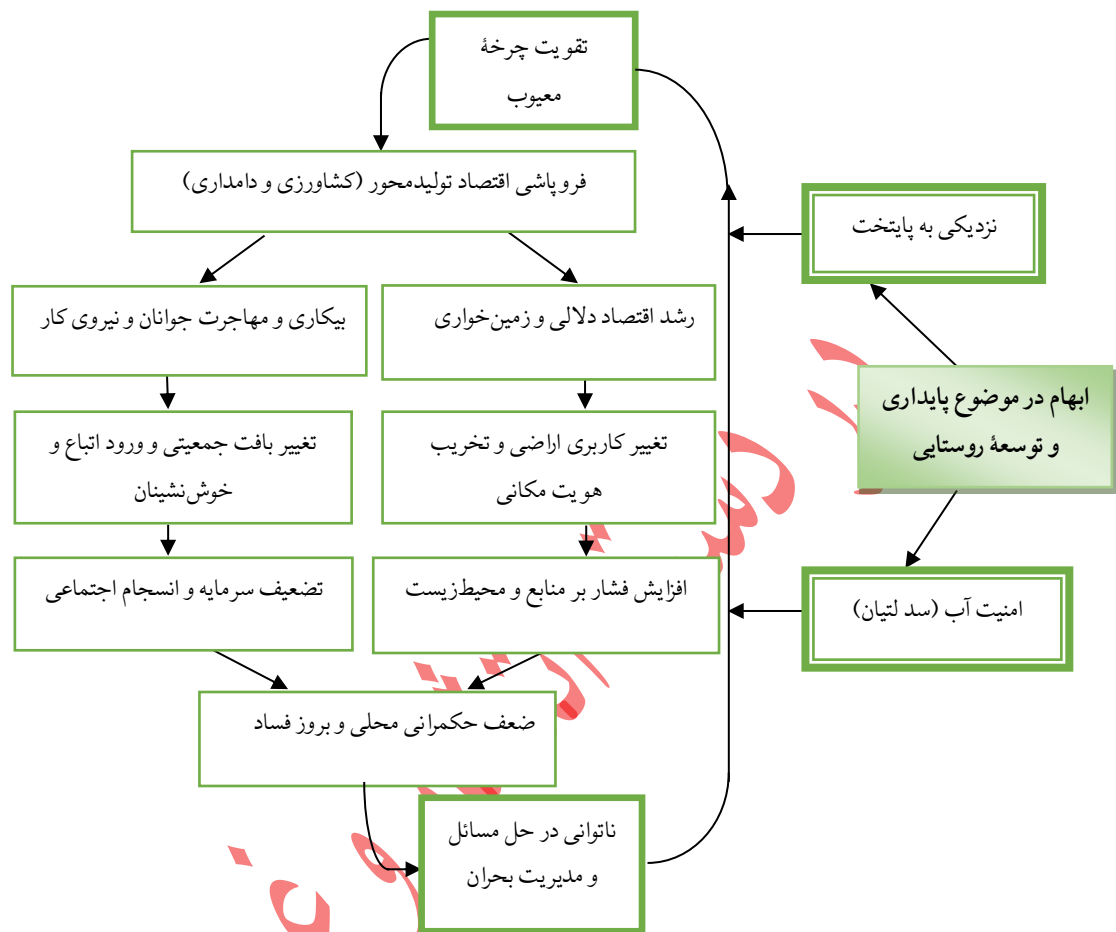
یکپارچه توسعه‌ای) مواجه است. تمرکزگرایی منجر به سیاست‌های بخشی و ناهماهنگ شده است. به‌طور مشخص، تصمیمات مربوط به حریم زیست‌محیطی رودخانه جاجرود توسط نهادهای مرکزی و بدون مشارکت جامعه محلی اتخاذ می‌شود، در حالی که اجرای پروژه‌های زیرساختی ضروری مانند شبکه فاضلاب به تعویق می‌افتد. این ناهماهنگی میان نهادهای دولتی (وزارت نیرو، سازمان محیط زیست، وزارت کشور) و نهادهای محلی (دهیاری و شورا) سبب شده است هیچ نهاد مشخصی، به‌طور شفاف پاسخگوی نیازهای منطقه‌ای نباشد. از سوی دیگر، ضعف ساختاری نهادهای محلی نیز مشهود است. دهیاری و شورای روستا از اختیارات قانونی و منابع مالی کافی برای مدیریت مؤثر برخوردار نیستند. نبود امنیت شغلی برای دهیاران، تغییرات مکرر مدیریتی و وابستگی مالی به نهادهای مرکزی، توان این نهادها را برای برنامه‌ریزی بلندمدت و اجرای پروژه‌های توسعه‌ای محدود کرده است. همچنین، نقش‌آفرینی سنتی ریش‌سفیدان و نهادهای مدنی محلی در فرآیندهای تصمیم‌گیری به تدریج کمرنگ شده است. «فساد اداری و نفوذ سیاسی» نیز به تشدید بی‌عدالتی در توزیع منابع و فرصت‌ها انجامیده است. در حالی که ساکنان بومی با محدودیت‌های شدید ساخت‌وساز مواجه هستند، سرمایه‌داران و دلالان با استفاده از روابط سیاسی توانسته‌اند به پروژه‌های ساخت‌وساز انجام دهند.

از طرف دیگر «توسعه شهر اقماری» پردیس بدون در نظر گرفتن اثرات آن بر روستاهای همجوار از جمله لواسان بزرگ، نشان‌دهنده فقدان نگرش سیستمیک و هماهنگ در برنامه‌ریزی منطقه‌ای است. پردیس به‌عنوان یک قطب شهری نوظهور در نزدیکی روستا، موجب تشدید روند مهاجرت جوانان و کاهش ماندگاری جمعیت بومی شده است. به این ترتیب پردیس هم پیامد سیاست‌های کلان منطقه‌ای است و هم عاملی مستقل در تغییر مسیر توسعه محلی.

همین منطق در مورد گردشگری نیز صدق می‌کند؛ اگرچه گردشگری در نتیجه نزدیکی به تهران و شهر پردیس در منطقه وجود دارد، اما به دلیل بی‌ضابطگی خود عاملی برای فشار مضاعف بر محیط زیست و زیرساخت‌ها، تغییر فرهنگ بومی، افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی و بروز نارضایتی و ناامنی نسبی در میان مردم محلی شده است.

همجاری با پایتخت فرصت‌های بالقوه و بالایی برای توسعه فراهم می‌کند. روستاهای اطراف پایتخت (از جمله لواسان بزرگ) این ظرفیت را نیز دارند به عنوان تفریحگاه تهران، پایدار بمانند، اما موانع متعددی مانع تحقق این ظرفیت می‌شود. تبیین عوامل نشان می‌دهد که عرصه‌های مختلف یک زنجیره علی-پیامدی درهم‌تنیده هستند که برآیند آن‌ها نوعی ابهام در پایداری و توسعه روستاست. امنیت آب پایتخت (به‌ویژه در ارتباط با حریم سد لتیان) و الزامات حفاظت‌زیست‌محیطی، روند رشد و توسعه را محدود کرده و عامل ریشه‌ای در افول کشاورزی و تغییر معیشت محسوب می‌شود. این تغییر معیشت به دگرگونی‌های جمعیتی، مهاجرت جوانان و پیری جمعیت می‌انجامد. دگرگونی‌های جمعیتی نیز پیامدهایی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی در پی دارند. ضعف در آموزش، انسجام فرهنگی، سرمایه اجتماعی ناکارآمدی حکمرانی محلی را تشدید می‌کند. ناکارآمدی حکمرانی و مدیریت محلی نیز بازتولیدکننده ساخت‌وساز غیرمجاز، تخریب محیط زیست و افزایش تعارضات اجتماعی است.

به‌طور کلی در چرخه عوامل مرتبط با پایداری، برخی مؤلفه‌ها مانند جمعیت، اقتصاد و حکمرانی هم عامل‌اند و هم پیامد، و بدین ترتیب یک چرخه دومینویی از ناپایداری شکل گرفته است.



شکل شماره ۱: شمای کلی نظام علیت مسائل روستا

۶. بحث و نتیجه گیری

پژوهش به روشنی نشان می دهد که وضعیت توسعه روستایی در ایران (از جمله روستای مورد مطالعه) با نوعی ابهام، آشفتگی و به تعبیر ما «حبس در چرخه معیوب» مواجه است. با وجود توسعه زیرساخت ها و ورود خدمات عمومی (برق، آب، مدرسه، خانه بهداشت، جاده و ...) در دهه های اخیر، روند تخلیه روستاها و مهاجرت به شهرها نه تنها کاهش پیدا نکرده بلکه افزایش یافته است. این واقعیت، فرضیه غالب در سیاست گذاری روستایی ایران را به چالش می کشد؛ فرضیه ای که معتقد بود «گسترش خدمات زیربنایی به طور مستقیم موجب تثبیت جمعیت و افزایش ماندگاری در روستا می شود»؛ شواهد میدانی در این پژوهش نشان داد که چنین نگاهی ساده انگارانه و تک بعدی بوده است و در عمل نتوانسته به هدف خود برسد. این نگاه حداقل در مورد روستاهای پیراکلان شهری، به ویژه روستاهای پیراپایتختی مانند روستای مورد مطالعه کاملاً صادق است؛ یعنی حیات روستاها کاملاً وابسته به شهر شده اند.

در جامعه مورد مطالعه، مسائل و عوامل اصلی ناپایداری در سه بُعد ساختاری-مدیریتی، اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی قابل شناسایی اند. در بعد ساختاری، نبود چشم انداز پایدار، ناهماهنگی نهادی و مدیریت بخشی از مهم ترین چالش ها هستند. در بُعد اقتصادی، ناکارآمدی کشاورزی سنتی، تقسیم زمین های کشاورزی بین ورثه، فقدان حمایت از مشاغل محلی و رشد اقتصاد

دلالتی زمین نقش کلیدی در تضعیف معیشت پایدار دارند. در بُعد اجتماعی-فرهنگی، کاهش جمعیت، مهاجرت جوانان، افزایش جمعیت اتباع، تضعیف انسجام اجتماعی، کاهش احساس تعلق مکانی و زوال هویت محلی بیشترین اثر را بر ناپایداری گذاشته‌اند. این عوامل درهم تنیده‌اند و هر یک می‌تواند پایداری سایر ابعاد را نیز تحت الشعاع قرار دهد.

در روستای مورد مطالعه، ناخرسندی مسئولین و مردم محلی از تغییرات و طرح‌های توسعه‌ای بیانگر آن است که توسعه و طرح‌های توسعه‌ای نه تنها امکانات و تحولات سودمند برای آن‌ها به ارمغان نیاورده، بلکه ثبات و کیفیت زندگی آن‌ها را به چالش کشیده است. مصداق آن، پروژه «مسکن مهر پردیس» در ۳۵ کیلومتری شمال شرق تهران است که یکی از مهم‌ترین عوامل ناپایداری جمعیتی و مهاجرت از این منطقه معرفی شده است. همچنین، معیشت و اشتغال در روستا وضعیت مطلوبی ندارد؛ کوچکی وسعت و جمعیت، حاشیه‌ای بودن، کمبود زیرساخت‌های اقتصادی، نبود حمل‌ونقل عمومی و محدودیت‌های ناشی از همجواری با سد لتیان (برای ایجاد کارگاه‌های اقتصادی و تولیدی) از عمده دلایل این امر محسوب می‌شوند.

یافته‌های پژوهش حاضر در بسیاری از موارد با ادبیات نظری و تجربی موجود همسو است. پژوهش، اهمیت شاخص‌های مشارکت محلی و اعتماد مردمی را به‌عنوان عناصر کلیدی پایداری اجتماعی در مطالعه دمپسی و همکاران (2009) و گلاتنئو (2011) تأیید می‌کند. از منظر داخلی نیز یافته‌های همسو با یادآوری اطهری (۱۳۹۹) و عنبری (۱۳۹۵)، محققان حوزه روستایی است که بیان کرده‌اند سیاست‌های پروژه‌محور و شهرگرایانه، بدون توجه به هویت محلی و مشارکت مردمی، منجر به توسعه پایدار نمی‌شوند. از منظر معیشتی نیز، بر ابرام نظرات رابرت چمبرز (1983) و اسکات و همکاران (2000) تأکید دارد که نشان می‌دهند نبود تنوع معیشتی و فقدان معیشت پایدار، پایداری جوامع روستایی را تهدید می‌کند. همچنین یافته‌ها همسو با مطالعه اُستروم (2009) بر ضرورت مدیریت بومی و پایدار منابع طبیعی تأکید دارد. از منظر حکمرانی و مدیریتی نیز یافته‌ها، نتایج پژوهش هُفستاد (2023) را که مدعی است برای نیل به پایداری اجتماعی باید بر ظرفیت‌های حکمرانی متمرکز بود، ارزشمند و قابل استناد می‌پندارد.

واقعیت این است که اقتصاد روستایی در ایران با ضعف در شکل‌گیری شرکت‌ها و بنگاه‌های بزرگ کشاورزی، صنعتی و خدماتی و نیز ناتوانی در توسعه خوداشتغالی روبه‌رو است. اشکال مهاجرت معکوس به نواحی روستایی نیز سبب شده است منابع قدرت در این مناطق در حال جابه‌جایی از «مالکیت زمین» به «انباشت نقدینگی» و تبدیل تدریجی کارکرد غالب روستاها از «تولید» به «سکونت» باشد. روستاها اکنون بیشتر به عنوان سکونتگاه‌هایی با مزیت‌های محیطی و ارتباطی مورد توجه قرار می‌گیرند که برای اقامت موقت، تفریح یا بازنشستگی استفاده می‌شوند. نکته حائز اهمیت در این فرآیند، کاهش نقش تولیدی روستاها و رشد سوداگری زمین است. مصداق بارز این پدیده، ویژگی‌های روستای مورد مطالعه در این پژوهش است. پروژه‌محوری و اقتصادمداری به عنوان مبنای اقدام و عمل کارگزاران و مجریان طرح‌های توسعه‌ای باعث شده است که هویت ساختاری آبادی‌ها قربانی پروژه‌ها و طرح‌های توسعه شوند؛ به‌گونه‌ای که تنها نام آبادی برجای مانده و ساکنان، آیین‌ها و خودبسندگی آن پنهان شده است. تغییر و تحول صرفاً با محوریت مردم و هویت مجاز است. زیرا توسعه‌ای که با مشارکت مردمی و پشتوانه اجتماعی همراه نباشد، پایدار نخواهد بود. در اینجا، بُعد اجتماعی توسعه پایدار اهمیت دوچندانی می‌یابد؛ زیرا بر «مشارکت مردمی»، «حکمرانی محلی» و «کیفیت زندگی» به عنوان ارکان کلیدی توسعه تأکید می‌کند. هنگامی که تصمیم‌گیری‌ها بدون در نظر گرفتن ظرفیت‌های محلی و بیرون از آن اتخاذ می‌شود و مدیریت منابع فاقد رویکرد عدالت‌محور و مشارکتی است، شاخص‌های کیفیت زندگی، تعلق مکانی و تاب‌آوری اجتماعی تقلیل می‌یابد - فرایندی که مشاهدات میدانی تحقیق آن را تأیید می‌کند.

کلام آخر اینکه، برای درک واقعیت روستاهای ایران باید از نگاه دولت‌راهرِ تک‌بعدی توسعه فاصله گرفت و به ابعاد چندگانه حکمرانی و پایداری توجه کرد. تجربه لواسان بزرگ به‌خوبی آشکار می‌کند که توسعه کالبدی و خدماتی بدون تقویت سرمایه اجتماعی، انسجام فرهنگی و مشارکت مردمی، مورد رضایت مردم محلی نیست. همچنین باید با تنوع‌بخشی به معیشت و تقویت اقتصاد پایدار محلی، حفظ تعادل جمعیتی و فراهم‌سازی شرایط ماندگاری جوانان، اصلاح نظام حکمرانی محلی و ارتقای هماهنگی نهادی توسعه را در طیفی مطلوب از پایداری دنبال کرد.

منابع

- اطهری، کمال (۱۳۹۹). درآمدی بر سرمشق نوین توسعه کشاورزی و روستایی ایران. تهران: نشر نی.
- پورطاهری، مهدی، سجاسی قیدی، حمداله و صادقلو، طاهره (۱۳۸۹). سنجش و اولویت‌بندی پایداری اجتماعی در مناطق روستایی، با استفاده از تکنیک رتبه‌بندی براساس تشابه به حل ایده‌آل فازی (مطالعه موردی: دهستان حومه بخش مرکزی شهرستان خداآباد). فصل‌نامه پژوهش‌های روستایی، ۱(۱)، ۳۱-۱.
- جمینی، داوود و جمشیدی، علی‌رضا (۱۳۹۳). واکاوی عوامل تبیین‌کننده پایداری اجتماعی در مناطق روستایی. فصل‌نامه آمایش جغرافیایی فضا، ۴، ۱۶۶-۱۴۷.
- چمبرز، رابرت (۱۳۹۶). توسعه روستایی؛ اولویت بخشی به فقرای روستایی، ترجمه مصطفی ازکیا، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- چمبرز، رابرت (۱۳۹۹). اندیشه‌هایی در توسعه. ترجمه موسی اعظمی و همکاران، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- حبیب‌پورگتابی، کرم (۱۴۰۰). تدوین شاخص‌های پایداری اجتماعی و فرهنگی شهر تهران با تأکید بر نقش مدیریت شهری (شورای شهر و شهرداری). مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- رضوانی، محمدرضا (۱۴۰۱). سلسله نشست‌های اندیشه‌ورزی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: پیوندهای روستایی - شهری در الگوی پیشرفت توحی روستایی کشور. تهران: نشر الگوی پیشرفت.
- زیاری، کرامت‌اله، فرهادی‌خواه، حسین و آروین، محمود (۱۳۹۵). سنجش پایداری اجتماعی محله‌ای (مطالعه موردی: محله سنگلج و ضراب‌خانه شهر تهران). فصل‌نامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۱(۳۶)، ۱۸-۱.
- فاستر، جرج. م. (۱۳۷۵). جوامع سنتی و تغییرات فنی. ترجمه سید مهدی ثریا، تهران: معاونت پژوهشی و آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- عنبری، موسی (۱۳۸۵). دولت، مشارکت و سازمان‌های غیردولتی (NGOs): بررسی جایگاه و کارکردهای بخش سوم در توسعه. نشریه دین و ارتباطات، ۳۰، ۱۷۹-۲۱۲.
- عنبری، موسی (۱۳۹۵). بختک «توسعه» و خواب ناآرام آبادی‌ها. فصل‌نامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۵(۱)، ۱۸۷-۱۷۱.
- عنبری، موسی (۱۳۹۶). جامعه‌شناسی توسعه از اقتصاد تا فرهنگ. چاپ چهارم، تهران: سمت.
- عنبری، موسی (۱۳۹۹). ستایش شادمانه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- گاریه، آنجل (۱۳۹۹). پارادایم نوین توسعه روستایی - تجارب جهان. ترجمه موسی عنبری و حسین مومنی، تهران: انتشارات اندیشه احسان، چاپ اول.
- لدویت، مارگارت (۱۳۹۷). نگرشی انتقادی به توسعه جماعت محور. ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۷). نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن - ۱۳۹۵. دفتر ریاست، تهران: روابط عمومی و همکاری های بین الملل.
- موزلی، مالکولم ج. (۱۳۸۸). توسعه روستایی «اصول و عملیات». ترجمه مجتبی قدیری معصوم و آئیژ عزمی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- نسترن، مهین و قاسمی، وحید و هادیزاده و زرگر، صادق (۱۳۹۲). ارزیابی شاخص های پایداری اجتماعی با استفاده از فرایند تحلیل شبکه (ANP). جامعه شناسی کاربردی، ۲۴، ۱۷۳-۱۵۵.
- نیک خلق، علی اکبر (۱۳۹۳). جامعه شناسی روستایی. چاپ چهارم، تهران: انتشارات چاپ پخش.
- هانیگان، جان (۱۳۹۵). جامعه شناسی محیط زیست. ترجمه موسی عنبری و همکاران، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- Akgün, A., Baycana, T. & Nijkampb, P. (2014). Rethinking on Sustainable Rural Development, European Planning Studies, DOI: 10.1080/09654313.2014.945813
- Barron, P., Cord, L., Cuesta, J., E. Sabina, A., Larson, G & Woolcock, M. (2023). Social Sustainability in Development: Meeting the Challenges of the 21st Century. New Frontiers of Social Policy. Washington, DC: World Bank. doi:10.1596/978-1-4648-1946-9.
- Baruckmeier, K. & Tovey, H. (2008). Knowledge in Sustainable Rural Development: From Forms of Knowledge to Knowledge Processes. Sociologia Ruralis, Vol 48, Number 3. DOI: 10.1111/j.1467-9523.2008.00466.x
- Colantonio, Andrea (2009). Social sustainability: a review and critique of traditional versus emerging themes and assessment methods. Available at: <http://eprints.lse.ac.uk/id/eprint/35867>.
- Colantonio, Andrea & Dixon, Tim (2009). Measuring Socially Sustainable Urban Regeneration in Europe. Oxford Institute for Sustainable Development (OISD). School of the Built Environment Oxford Brookes University.
- Colantonio, Andrea (2011). Social sustainability: Exploring the Linkage Between Research, Policy and Practice. DOI 10.1007/978-3-642-19202-9_5.
- Dempsey N, Bramley G, power S, Brown C. (2009). "The Social Dimension of Sustainable Development: Defining Urban Social Sustainability". Sust. Dev. 19, 289-300 (2011) DOI: 10.1002/sd.
- DFID, Sustainable livelihoods guidance sheets (1999), 94 Victoria Street, London SW1E 5JL.
- Eizenberg, Efrat & Jabareen, Yosef. (2017). Social Sustainability: A New Conceptual Framework. Sustainability, 9(1). 10.3390/su9010068.
- Hofstad, Hege (2023). "Well understood? A literature study defining and operationalising community social sustainability", Local Environment, VOL. 28, NO. 9, 1193-1209, <https://doi.org/10.1080/13549839.2023.2195620>.
- Lee, Keeheon & Jung, Hosang. (2019). Dynamic Semantic Network Analysis for Identifying the Concept and Scope of Social Sustainability, Journal of Cleaner Production, DOI: 10.1016/j.jclepro.2019.05.390.
- McKenzie, Stephen. (2004). Social sustainability: Towards some definitions.
- Norris, F. H., Stevens, S. P., Pfefferbaum, B., Wyche, K. F., & Pfefferbaum, R. L. (2008). Community resilience as a metaphor, theory, set of capacities, and strategy for disaster

readiness. *American Journal of Community Psychology*, 41(1-2), 127–50. <https://doi.org/10.1007/s10464-007-9156-6>

- Ostrom, E. (2009) A General Framework for Analyzing Sustainability of Social-Ecological Systems. *Science*, 325, 419-422. <https://doi.org/10.1126/science.1172133>.
- Rogers, E.M. (1983) *Diffusion of Innovations*. A Division of Macmillan Publishing Co., Inc. Free Press, New York.
- Rostow, W. W. (1960). *The stages of economic growth: A non-communist manifesto*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Scott, Britain A. & et al. (2021). *Psychology for sustainability*, Fifth edition. New York: Routledge, Earthscan.
- Scott, Kathryn & Park, Julie & Coklin, Chris. (2000). From 'sustainable rural communities' to 'social sustainability': giving voice to diversity in Mangakahia Valley, New Zealand, *Journal of Rural Studies*, 16, 433-446.
- Smailes, Peter J. (1995). The enigma of social sustainability in rural Australia. *Australian Geographer* 26 (2).
- UN. (1993). Report of the United Nations Conference on Environment and Development, Rio de Janeiro, 3-14 June 1992.
- UN (1997). *Agenda for Development*. United Nations: New York, NY, USA.
- UN (2020), *United Nations Common Guidance on Helping Build Resilient Societies*, New York (UN). <https://unsdg.un.org/sites/default/files/2021-09/UN-Resilience-Guidance-Final-Sept.pdf>
- UNDP. (2002). *Human Development Report*, Oxford University Press. http://hdr.undp.org/sites/default/files/reports/263/hdr_2002_en_complete.pdf
- UNDP. (2014). *Governance for Sustainable Development*, Contact Information: Patrick Keuleers, Director a.i., Democratic Governance Group, Bureau for Development Policy, United Nations Development Programme, Patrick.Keuleers@undp.org.
- UN-Habitat (2019). *Strengthening urban-rural linkages to reduce spatial inequality and poverty by leveraging sustainable food systems actions*. First UN-Habitat assembly | side event report. https://urbanrurallinkages.files.wordpress.com/2019/08/url-side-event_report.pdf
- World Bank (2021). *Social Sustainability and Inclusion*. Available at: <https://www.worldbank.org/en/topic/socialsustainability/overview>
- World Commission on Environment and Development (WCED) (1987). *Our Common Future*. [report of the] World Commission on Environment and Development. Available at: <http://www.un-documents.net/wced-ocf.htm>

References in Persian

- Anbari, Moosa (2006). Government, Participation and Non-Governmental Organizations (NGOs): Examining the Position and Functions of the Third Sector in Development. *Journal of Religion and Communication*, No. 30, pp. 179-212. [In Persian]
- Anbari, Moosa (2016). The Nightmare of "Development". *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, Volume 5, No. 1. [In Persian]
- Anbari, Moosa (2017). *Sociology of Development: From Economy to Culture*. Tehran: SAMT Publications, Fourth Edition. [In Persian]
- Anbari, Moosa (2020). *Joyful Praise*. Tehran: University of Tehran Publications. [In Persian]
- Athari, Kamal (2019). *An introduction to the new paradigm of agricultural and rural development in Iran*. Tehran: Ney. [In Persian]
- Chambers, Robert (2017). *Rural Development: Putting the Last First*, Tehran: University of Tehran Publications. [In Persian]
- Chambers, Robert (2020). *Ideas for Development*. Translated by Moosa Azami et al. Tehran: University Publishing Center, First Edition. [In Persian]

- Faster, George M. (1996). Traditional Societies and Technological Changes. Translated by Seyyed Mehdi Soraya, Tehran: Research and Education Deputy of the Ministry of Culture and Islamic Guidance, First Edition. [In Persian]
- Gurria, Angel (2020). A new rural development paradigm. translated by: Moosa Anbari and Hassan Momeni, Tehran: Andisheh Ehsan Publications, first edition. [In Persian]
- Habibpour Gatabi, Karam (2021). Developing Social and Cultural Sustainability Indicators for Tehran City with Emphasis on the Role of Urban Management (City Council and Municipality). Tehran Urban Planning and Research Center. [In Persian]
- Hannigan, John (2016). Environmental Sociology. Translated by Moosa Anbari et al., Tehran: University of Tehran Publications, Third Edition. [In Persian]
- Jomini, Davood & Jamshidi, Alireza (2014). Analyzing the Factors of Social Sustainability in Rural Areas. Geographical Space Spatial Planning Quarterly, Year 4, Serial No. 13. [In Persian]
- Ledwith, Margaret (2018). Community Development: A Critical Approach. Translated by Manijeh Najm-Araghi, Tehran: Ney Publishing, First Edition. [In Persian]
- Moseley, Malcolm J. (2009). Rural Development: Principles and Practice. Translated by Mojtaba Ghadiri Masoum and Aij Azmi, Tehran: University of Tehran Publications, First Edition. [In Persian]
- Nastaran, Mahin; Ghasemi, Vahid & Hadizadeh Zargar, Sadegh (2013). Assessment of Indices of Social Sustainability by Using Analytic Network Process (ANP). Applied Sociology, Year 24, No. 3. [In Persian]
- Nik-Kholoq, Ali Akbar (2014). Rural Sociology. Tehran: Chap-e Pakhsh Publications, Fourth Edition. [In Persian]
- Pourtaheri, Mehdi, et al. (2010/2011). Measuring and Prioritizing Social Sustainability in Rural Areas Using the Fuzzy TOPSIS Ranking Technique. Village Research Quarterly, Year 1, No. 1. [In Persian]
- Rezvani, Mohammad Reza (2022). Series of Intellectual Workshops of the Center for Islamic-Iranian Model of Progress: Rural-Urban Linkages in the Development Model of Rural Areas of the Country. Tehran: Nashr-e Olgou-ye Pishraft. [In Persian]
- Statistical Center of Iran (2018). Detailed Results of the General Population and Housing Census – 2016. Presidency Department, Tehran: Public Relations and International Cooperation. [In Persian]
- Ziari, Keramatollah, et al. (2016). Measuring Neighborhood Social Sustainability (Case Study: Sangelaj and Zarrabkhaneh Neighborhoods in Tehran). Human Settlements Planning Studies Quarterly, Year 11, No. 36. [In Persian]